



سوالات آزمون پروانه کارآموزی وکالت سال ۹۸

(دفترچه F)

با توجه به انتشار کلید اسکودا این پاسخنامه به روز رسانی شده است.

مدت زمان پاسخگویی: ۱۵۰ دقیقه			تعداد سوال: ۱۲۰
تا شماره	از شماره	تعداد سؤال	مواد امتحانی
۲۰	۱	۲۰	حقوق مدنی
۴۰	۲۱	۲۰	آیین دادرسی مدنی
۶۰	۴۱	۲۰	حقوق تجارت
۸۰	۶۱	۲۰	اصول و استنباط
۱۰۰	۸۱	۲۰	حقوق جزا
۱۲۰	۱۰۱	۲۰	آیین دادرسی کیفری

حقوق مدنی

۱- چنانچه مدیون در موعد مقرر، دین ریالی خود را ادا نکند، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) دادگاه مکلف است در صورت مطالبه اصل دین، رأساً خسارت ناشی از تأخیر در تأدیه را مورد حکم قرار دهد.
- ۲) شرط منحصر صدور حکم به خسارت تأخیر در تأدیه، تمکن مدیون است.
- ۳) **صرف تغییر شاخص قیمت، موجب استحقاق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نیست.**
- ۴) طلبکار در هیچ صورتی حق اخذ خسارت تأخیر در تأدیه بیش از شاخص بانک مرکزی را ندارد.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

با استناد به ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م برای استحقاق طلبکار به اخذ خسارت تأخیر تأدیه، شرایطی لازم است که عبارتند از: وجه رایج بودن دین، مطالبه دین توسط داین، تمکن مدیون از ادای دین، امتناع مدیون از پرداخت دین، تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و مطالبه خسارت تأخیر تأدیه توسط داین. لذا صرف تغییر شاخص قیمت، موجب استحقاق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نیست.

۲- اداره کننده فضولی مال غیر، در فرض پرداخت هزینه ها، در کدام صورت، حق رجوع به مالک را دارد؟

- ۱) چنانچه تحصیل اجازه، به هنگام اقدام، مقدور بوده است.
- ۲) چنانچه اقدام اداره کننده، ناشی از قصد احسان و یاری نباشد، ولی به نفع مالک باشد.
- ۳) چنانچه مستاجر به منظور کمال انتفاع، تغییراتی در ملک مالک ایجاد کند.
- ۴) **چنانچه تأخیر در دخالت اداره کننده، موجب ضرر مالک شود.**

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

با استناد به ماده ۳۰۶ ق.م.و.ر.ک به حواشی ۱ و ۳ ماده ۳۰۶ ق.م.در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.

۳- تقسیم اموال غایب مفقود الاثر بر مبنای کدام مورد، صحیح است؟

- ۱) با انقضای مدت یک سال پس از غیبت
- ۲) با درخواست اشخاص ذی نفع، در صورت اثبات نیاز مالی آنان با انقضای دو سال از زمان غیبت
- ۳) پس از صدور حکم موت فرضی، فقط تقسیم اموال منقول امکان پذیر است.
- ۴) **با انقضای مدتی که عادتاً، احتمال فوت غایب وجود دارد.**

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

ر.ک به مواد ۱۰۱۹ و ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸ ق.م.

۴- در نکاح منقطع، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) زوجه در صورت شرط نفقه، مستحق نفقه است، مگر اینکه زوج تمکن مالی نداشته باشد.
- (۲) **علی الاطلاق، تمکین زوجه تأثیری در نفقه ندارد.**
- (۳) زوجه از زمان بارداری، مستحق نفقه خواهد بود.
- (۴) زوجه در صورت ثبت رسمی نکاح، مستحق نفقه است.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

با استناد به ماده ۱۱۱۳ ق.م در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آن که عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. اطلاق این ماده، شامل حالات مختلف (تمکن مالی زوج یا عدم تمکن وی و نیز تمکین زوجه یا عدم تمکین او) می شود. از این رو تمکن مالی زوج و نیز تمکین زوجه، تأثیری در استحقاق نفقه ندارد. لذا اصولاً زوجه مستحق نفقه نیست مگر اینکه شرط صریح یا تبانی بر آن شده باشد. با استفاده از تحلیل فوق می توان پی برد بارداری زوجه موقت و یا ثبت رسمی نکاح منقطع نیز تأثیری در استحقاق زوجه موقت نسبت به نفقه ندارد.

۵- با توجه به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) مستأجر می تواند با پرداخت حق مالکانه متعارف، ولو بدون رضایت مالک، شغل مقرر را با تجویز دادگاه تغییر دهد.
- (۲) مستاجر حق دارد شغل مقرر در اجاره نامه را به شغل با ضرر کمتر تغییر دهد.
- (۳) **تغییر شغل به شغل مشابه، ولو با ضرر بیشتر، رأساً از سوی مستاجر امکان پذیر است.**
- (۴) تغییر شغل به درخواست مستاجر، به هر گونه شغل مشروع، با تجویز دادگاه امکان پذیر است.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

با استناد به مفهوم مخالف بند ۷ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶، تغییر شغل مستاجر بدون رضایت موجر، در حالتی که شغل جدید عرفاً مشابه شغل سابق باشد مجاز می باشد و جزء موارد تخلفات مستاجر محسوب نمی شود. اطلاق این مقرر قانونی شامل هر حالت (شغلی که ضرر کمتر یا مساوی یا بیشتر از شغل قبلی دارد) می گردد.

۶- کدام مورد، از مصادیق قائم مقامی به مفهوم جانشینی است؟

- (۱) **موصی له - مستاجر دوم برابر قانون روابط موجر و مستاجر ۱۳۵۶**
- (۲) امین غایب - حاکم
- (۳) وصی - متولی موقوفه
- (۴) ولی قهری - موصی له

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

با استناد به مواد ۲۳۱ ق.م و ۱۹ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶. قائم مقام شخصی است که به طور مستقیم یا به وسیله نماینده خود در تراضی شرکت نداشته ولی در نتیجه انتقال تمام یا بخشی از دارایی یکی از دو طرف به او جانشین طرف قرارداد و بهره مند از اجرای آن شده است. این تعریف از مرحوم دکتر کاتوزیان (حاشیه ۲ ماده ۲۳۱ در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی) بوده و قابل انطباق بر موصی له در حالت وصیت به مال معین و وصیت به جزء مشاع می باشد که البته در حالت اول موصی له قائم مقام خاص و در حالت دوم، قائم مقام عام است. از سوی دیگر مطابق ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستاجر نیز می توان مستاجر دوم را مشمول تعریف قائم مقام در فوق دانست.

اما امین غائب، نماینده قضایی بوده و حاکم و ولی قهری، نمایندگان قانونی هستند و وصی و متولی، موقوفه نمایندگان ارادی ایقاعی بوده و جانشین بودن آنها منتفی است؛ بلکه هر عملی که ایشان انجام دهند به حساب و برای منوب عنهم می باشد.

۷- کدام مورد در خصوص احکام عقد مزارعه، صحیح است؟

(۱) مستأجر، حق مزارعه دادن زمین مورد اجاره را مطلقاً ندارد.

(۲) اگر شخص ثالثی، زمینی را که تسلیم عامل شده است، غصب کند، عامل حق فسخ نخواهد داشت.

(۳) در عقد مزارعه، اگر شرط شود که تمام ثمره مال مزارع باشد، شرط باطل ولی عقد صحیح است.

(۴) چنانچه زمین مورد مزارعه از قابلیت انتفاع خارج شود، عامل حق فسخ دارد.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

بااستناد به ماده ۵۲۸ ق.م. گزینه ۱ با استناد به ماده ۵۲۲ ق.م و حاشیه ۱ آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان نادرست می باشد. گزینه ۳ با استناد به ماده ۵۳۲ ق.م و حاشیه ۱ آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان ناصحیح بوده و گزینه ۴ نیز با لحاظ ماده ۵۲۷ ق.م نادرست است.

۸- در کدام یک از موارد زیر، تقسیم مال مشترک امکان پذیر است؟

(۱) شرط عدم تقسیم، در ضمن عقد جعاله

(۲) تقسیم برای برخی از شرکا مضر و تقاضای تقسیم از طرف غیر متضرر باشد.

(۳) به رغم مضر بودن تقسیم دادگاه تقسیم را ضروری تشخیص دهد.

(۴) تقسیم به تراضی، موجب از مالیت افتادن مال شود.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

با استناد به ماده ۵۸۹ ق.م (مفهوم مخالف بخش اخیر این ماده) و حاشیه ۱ آن در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان و نیز ماده ۵۸۶ ق.م. در واقع شرط عدم تقسیم در ضمن عقد جعاله از مواردی که شرکاء به وجه ملزومی ملتزم به عدم تقسیم شده باشند محسوب نمی شود؛ چه آنکه وفق ماده ۵۶۵ ق.م جعاله یک عقد جایز محسوب می شود و از موارد وجه ملزم به حساب نمی آید. از این رو تقسیم مال مشترک در حالت گزینه ۱ امکان پذیر است.

نادرستی گزینه های ۲، ۳ و ۴ به ترتیب با استناد به مواد ۵۹۲، ۵۹۱ و ۵۹۵ ق.م مشخص می گردد.

۹- هرگاه چند کارگر مشمول ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، مجتمعاً خسارتی به دیگری وارد سازند، در توزیع نهایی

مسئولیت، کدام مورد صحیح است؟

(۱) میزان مسئولیت آنان، با توجه به نحوه مداخله آنان تعیین می شود.

(۲) کارگران به تساوی مسئولیت دارند.

(۳) کارفرما و کارگران، متضامناً مسئول هستند.

(۴) مسئول نهایی جبران ضرر، در هر حال کارفرماست.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

بااستناد به ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی. بخش اول این ماده مربوط به مسئولیت کارگران متعدد در مقابل زیان دیده است که مسئولیت تضامنی است؛ اما بخش اخیر ماده در خصوص توزیع نهایی مسئولیت میان کارگران است که با توجه به نحوه مداخله هر یک، میزان مسئولیت ایشان بین خودشان از سوی دادگاه تعیین می شود.

۱۰- در عقد بیعی، شرط شده است که چنانچه ثمن ظرف مهلت سه ماه توسط خریدار تأدیه نشود، بایع اختیار فسخ دارد. کدام مورد در خصوص این شرط، صحیح است؟

(۱) با توجه به مقررات حاکم، معامله با حق استرداد، تلقی می شود.

(۲) با استفاده از خیار تأخیر ثمن، بایع حق فسخ دارد.

(۳) چنین شرطی، از احکام خیار شرط تبعیت نخواهد کرد.

(۴) شرط و عقد، به علت عدم ذکر مدت حق فسخ، باطل است.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

در فرض سوال، اختیار فسخ بایع منوط به تخلف خریدار از تأدیه ثمن ظرف مهلت ۳ ماه، شده است. از این رو احکام خیار شرط (که اعمال آن منوط به تخلف از انجام تعهد نیست) جریان نمی یابد و از این رو اگر مدت حق فسخ تعیین نشده باشد نمی توان به ماده ۴۰۱ ق.م.ا استناد کرد و شرط و عقد را باطل دانست. تبعاً بحث معامله با حق استرداد که مرتبط با مباحث بیع شرط (که از اقسام بیع خیاری یعنی بیع همراه با خیار شرط برای بایع می باشد) است نیز متفی خواهد بود. از طرف دیگر شرایط خیار تأخیر ثمن مذکور در ماده ۴۰۲ ق.م.ا هم در فرض سوال بیان نشده و از این رو گزینه ۲ نادرست است. فی الواقع فرض سوال، مشمول بحث شرط نتیجه قابلیت فسخ عقد در آینده است. به این معنا که عقد به سبب شرط نتیجه، پتانسیل و قابلیت فسخ عقد (معلق بر تخلف از انجام تعهد) پیدا کرده است و این پتانسیل و قابلیت به نفس اشتراط پدید آمده و با استناد به ماده ۲۳۶ قانون مدنی، شرطی صحیح است.

۱۱- کدام مورد، بیانگر مفهوم وکالت مطلق است؟

(۱) ناظر به اداره عام امور موکل است.

(۲) ناظر به اداره امور مالی و غیرمالی موکل است.

(۳) ناظر به اداره تمام امور غیر مالی موکل است.

(۴) ناظر به مدیریت اموال موکل است.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

با استناد به ماده ۶۶۱ ق.م.

۱۲- در صورتی که در وقوع عقد تردید حاصل شود، کدام مورد صحیح است؟

(۱) به موجب اصل لزوم، طرفین ملزم به قرارداد هستند.

(۲) مطابق اصل استصحاب، معامله صحیح است.

(۳) اصل صحت جاری نمی شود.

(۴) مطابق اصل حاکمیت اراده، عقد معتبر است.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

ر.ک به حاشیه ۱ ماده ۲۲۳ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان. در فرض مذکور در سوال می بایست به اصل عدم استناد کرد و وقوع عقد و تراضی متفی است. مجرای اصل صحت در رابطه با حالت وقوع ظاهری عقد و تراضی و شک در وجود شرایط صحت یا عدم موانع صحت آن می باشد.

۱۳- کدام یک از اشخاص زیر، از سمت خود منعزل می شود؟

(۱) قیّم در صورت ابتلا به جنون ادواری

- ۲) ولی قهری در صورت عدم رعایت غبطه صغیر که منجر به ضرر وی شود.
- ۳) وصی در صورتی که با اقدام و تعدی او، ضرری متوجه مولی علیه شود.
- ۴) متولی منصوب از سوی واقف، چنانچه خیانت وی ثابت شود.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

با استناد به ماده ۱۲۴۹ ق.م. لفظ «مجنون» در این ماده اطلاق داشته و شامل هر دو نوع مجنون ادواری و ابطاقی (دائمی) می گردد. گزینه ۲ با استناد با ماده ۱۱۸۴ ق.م موجب عزل ولی و منع وی از تصرف در اموال صغیر و تعیین قیّم می باشد و تمام این امور توسط دادگاه انجام خواهد گرفت. گزینه ۳ با استناد به ماده ۸۵۸ ق.م و قواعد عام مسئولیت مدنی و علی الخصوص ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی موجب ضامن شدن وصی است. گزینه ۴ با لحاظ ماده ۷۹ ق.م موجب است که حاکم ضمّ امین به متولی نماید.

۱۴- «الف» و «ب»، در یک قطعه زمین، شریک هستند. «ب» سهم خود را به «ج» می فروشد. «الف» قبل از این که اخذ به شفعه کند، سهم خود را به «د» می فروشد. کدام مورد صحیح است؟
(۱) در صورتی که در معامله میان «الف» و «د» به انتقال شفعه تصریح شود، «د» حق شفعه دارد.

(۲) حق شفعه برای «ج» وجود دارد.

- ۳) حق شفعه به قائم مقامی به «د» منتقل می شود.
- ۴) در صورتی که بیع میان «الف» و «د» اقاله شود، «الف» حق شفعه دارد.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

بعد از تحقق معامله فیما بین «ب» و «ج»، شخص «الف» حق شفه می یابد. از آنجا که با انتقال سهم «الف» به «د» حق شفعه «الف» زایل می شود و از سوی دیگر «د» شریک جدید برای «ج» محسوب شده و «ج» شریک سابق نسبت به «د» محسوب می گردد لذا برای شخص «ج» حق شفعه وجود دارد. لازم به ذکر است که انتقال حق شفعه به صورت ارادی از شخص «الف» به شخص «د» امکان ندارد. خواه همراه با انتقال سهم به «د» باشد یا به تنهایی حق شفه را انتقال دهد. در هر دو صورت انتقال ارادی حق شفعه واقع نمی شود. حق شفعه فقط از طریق قهری انتقال به وارث می یابد. با انتقال سهم از «الف» به «د» حق شفعه «الف» زایل شده و با اقاله معامله بین آنان، این حق مجدداً به «الف» باز نمی گردد (الساقط لا یعود کما إنّ المعدوم لا یعود). ر.ک به حاشیه ۵ ماده ۸۲۲ و حاشیه ۱ ماده ۸۲۳ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.

۱۵- کدام یک از موارد زیر، موجب زوال حق انتفاع است؟

(۱) در صورت انتقال حق انتفاع، بدون اذن ملک

(۲) در صورت فوت مالک، اگر برای حق انتفاع، مدتی معین نشده باشد.

(۳) در صورت تعدی و تفریط منتفع که موجب ضرر فاحش شود.

(۴) در صورت انتقال ملک به غیر، بدون اذن منتفع

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

با استناد به ماده ۴۴ ق.م. گزینه ۱ با لحاظ حاشیه ۳ ماده ۵۱ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان نادرست است. گزینه ۴ با استناد به ماده ۵۳ ق.م نادرست است. در گزینه ۳، تعدی و تفریط منتفع که موجب ضرر فاحش گردد بیان شده است. این امر با لحاظ ماده ۵۲ ق.م و مفهوم مخالف ماده ۵۰ ق.م موجب ضمانی شدن ید منتفع می گردد اما از اسباب زوال حق انتفاع (مذکور در مواد ۴۴، ۴۵ و ۵۱ ق.م) نمی باشد.

۱۶- در عقد صلح مجانی، گلدانی به عنوان جنس نقره به متصالح تملیک می شود، بعداً معلوم می شود که گلدان مذکور از طلا بوده است. معامله چه وضعی دارد؟

(۱) عقد صلح غیرنافذ است.

(۲) به لحاظ تخلف از وصف منظور، متصالح حق فسخ دارد.

(۴) عقد صلح باطل است.

(۳) به لحاظ مجانی بودن صلح، معامله صحیح است.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

با استناد به مواد ۲۰۰ و ۷۶۲ ق.م و حاشیه ۳ ماده ۷۶۲ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.

۱۷- کدام یک از عقود زیر، اساساً باطل است؟

(۱) بیعی که طبق توافق طرفین، تعیین اجل تحویل میباید به فروشنده محول شده است.

(۲) قرارداد الحاقی با شرایط ناعادلانه

(۳) انتقال مجانی ماترک، قبل از پرداخت دیون متوفی

(۴) بیع مال غیر، توسط شخصی که از سوی مالک، قبلاً ممنوع از انتقال شده است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

قراردادی که اجل تسلیم عوض در آن به متعهد واگذار شده قرارداد غرری بوده و باطل است. یعنی چنین قراردادی موجب جهالت توأم با خطر و احتمال ضرر برای فروشنده است به نحوی که در آینده احتمال نزاع و کشمکش بین طرفین می رود.

اما قرارداد الحاقی حتی با شرایط ناعادلانه نیز یک قرارداد صحیح است و طرف مقابل می تواند شرایط ناعادلانه را بپذیرد. انتقال مجانی ماترک قبل از پرداخت دیون متوفی با استناد به مواد ۸۷۱ ق.م و ۲۲۹ قانون امور حسبی غیرنافذ بوده و با تنفیذ طلبکاران یا پرداخت دیون متوفی نافذ می گردد. بیع مال غیر، توسط شخصی که از سوی مالک، قبلاً ممنوع از انتقال شده است بیع فضولی بوده و با استناد به ماده ۲۴۷ ق.م غیرنافذ است و با تنفیذ مالک نافذ می گردد. لازم به ذکر است که معامله به مال غیر، فضولی بوده و اصولاً غیرنافذ است خواه مالک از این معامله منع کرده باشد یا نه. استثنائاً وصیت به مال غیر طبق ماده ۸۴۱ ق.م باطل است. البته در این خصوص توضیحاتی مطرح می شود که

خوانندگان محترم می توانند به حواشی این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان مراجعه نمایند.

۱۸- کدام یک از موارد زیر، در خصوص نقش قبولی در معاملات، صحیح است؟

(۱) قبولی ایجاب پس از رد آن، در صورتی معتبر است که تغییری در مفاد ایجاب داده نشود.

(۲) قبولی در عقد عینی، می تواند پس از قبض واقع شود.

(۳) در تحقق قبولی در عقد رضایی، صرف رضا کافی است.

(۴) قبولی باید به همان شکلی اعلام شود که ایجاب صورت گرفته است.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

عقد عینی، عقدی سه رکنی است که ارکان آن عبارت است از: ایجاب، قبول و قبض. تحقق قبولی منوط به ایجاب قبل از آن و بقای ایجاب است اما منوط به قبل از قبض بودن قبول نیست. لذا قبولی می تواند قبل یا بعد از قبض در عقود عینی واقع شود.

از مطلب فوق فهمیده می شود که در صورت رد ایجاب، ایجاب باطل می گردد و دیگر موجود نیست تا مورد قبول قرار گیرد. از این رو گزینه ۱ ناصحیح است. از سوی دیگر صرف رضای باطنی حاکم از قبولی و یا ایجاب نبوده و باید به نحوی از درون به برون ابراز یابد و لذا گزینه ۳ نیز نادرست است. اما لزومی ندارد که قبولی به همان شکلی که ایجاب صورت گرفته شکل بگیرد. طرفین عقد اصولاً در انتخاب مبرزها (وسایل ابراز اراده باطنی) آزاد هستند و می توانند لفظ، نوشته، اشاره یا عمل را برگزینند مگر در نکاح (مواد ۱۰۶۲ و ۱۰۶۶ ق.م) و طلاق (ماده ۱۱۳۴ ق.م). به همین دلیل گزینه ۴ نادرست می باشد. برای توجیه پاسخ فوق به ماده ۱۹۱ ق.م، حواشی ۱ و ۲ ماده ۱۹۲ ق.م و ماده ۱۹۳ ق.م و حاشیه ۸ ماده ۱۹۴ ق.م در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان مراجعه نمایید.

۱۹- کدام یک از وکالت های زیر، نافذ است؟

(۱) وکالت صغیر غیرممیز از صغیر ممیز، برای قبولی هبه

(۳) وکالت رشید از غیررشید، جهت صلح مال

(۲) وکالت مجنون از رشید، جهت بیع

(۴) وکالت صغیر ممیز از غیر رشید، برای قبولی هبه

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

با استناد به ماده ۶۶۲ ق.م و حاشیه ۲ این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان.

۲۰- فرض کدام یک از ورثه، نصف ترکه است؟

(۱) کلاله امی، اگر تنها باشد.

(۲) زوجه، در صورت نبودن اولاد برای متوفی، اگرچه از همسر دیگر باشد.

(۳) خواهر ابوینی یا ابی تنها، در صورتی که منحصر به فرد باشد.

(۴) هر یک از دختر یا پسر، اگر فرزند منحصر به فرد باشد.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

بااستناد به بند ۳ ماده ۸۹۹ ق.م. نادرستی گزینه ۱ با ملاحظه ماده ۹۰۴ ق.م. گزینه ۲ با لحاظ ماده ۹۰۰ ق.م (بند ۲

این ماده) و گزینه ۴ با لحاظ ماده ۸۹۹ (بند ۲ این ماده) و ۹۰۷ ق.م. مشخص می گردد.

آیین دادرسی مدنی

۲۱- مالی در واحد اجرای احکام مدنی به مزایده گذاشته می شود. پس از انجام مزایده، در کدام صورت، مالک (محکوم علیه) می تواند با پرداخت کلیه بدهی و هزینه های اجرایی، مانع انتقال مال شود؟

(۱) مال، غیر منقول باشد و محکوم له آن را در مقابل طلب خود قبول کرده باشد.

(۲) مال، غیر منقول باشد و محکوم له آن را در مقابل طلب خود قبول کرده باشد و یا با قبول بیشترین بها، برنده مزایده اعلام شده باشد.

(۳) مال، منقول و یا غیر منقول باشد و محکوم له آن را در مقابل طلب خود قبول کرده باشد.

(۴) مال، غیر منقول باشد و محکوم له با قبول بیشترین بها، برنده مزایده اعلام شده باشد.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

در خصوص این سوال باید دقت کرد که بر اساس ماده ۱۴۴ قانون اجرای احکام مدنی: «در مواردی که ملک خریدار نداشته و محکوم له آن را در مقابل طلب خود قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده می تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه های اجرایی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکوم له شود. دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم له باشد خواهد داد.» در خصوص این ماده باید دقت کرد که اولاً این اختیار برای محکوم علیه تنها در توقیف مال غیر منقول پیش بینی شده است، زیرا علاوه بر اینکه این ماده در مبحث توقیف اموال غیر منقول از قانون اجرای احکام مدنی وضع گردیده است، باید دقت کرد که قانونگذار از واژه «ملک» استفاده کرده است که به طور عمده در مورد اموال غیر منقول استفاده می شود. با این توضیح ایراد گزینه ۳ روشن می شود. از طرفی باید دقت کرد این اختیار برای محکوم علیه، تنها در موردی است که هیچ خریداری در مزایده اول و دوم پیدا نشده است و محکوم له از اختیار موجود در ماده ۱۴۰ قانون اجرای احکام مدنی استفاده کرده و مال را به قیمت کارشناسی شده در مقابل طلب خود برداشته است. بنابراین، اگر شخص ثالثی برنده مزایده شده و از این جهت حق برای تملک مال برای وی ایجاد گردیده است، محکوم علیه دیگر نمی تواند نسبت به پرداخت بدهی خود و آزاد کردن مال از توقیف اقدام نماید. با این توضیحات ایرادات گزینه های ۲ و ۴ نیز روشن می شود.

۲۲- اگر محکوم به عین معین و غیر قابل دسترس باشد، کدام مورد صحیح است؟

(۱) قیمت آن صرفاً توسط دادگاه تعیین و از محکوم علیه دریافت می شود.

(۲) عدم قابلیت دسترسی به عین معین محکوم به تاثیری نداشته و پرونده اجرایی تا دسترسی به مال مفتوح می ماند.

(۳) قیمت آن با تراضی طرفین تعیین و در صورت عدم تراضی، توسط دادگاه تعیین و از محکوم علیه وصول می شود.

(۴) قیمت آن صرفاً با تراضی طرفین تعیین و از محکوم علیه وصول می شود.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

در خصوص این سوال نیز باید دقت کرد که بر اساس ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی: «اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده یا به آن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به وسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم علیه وصول می شود و هرگاه محکوم به قابل تقویم نباشد محکوم له می تواند دعوی خسارت اقامه نماید.» با مطالعه همین ماده ایراد سایر گزینه ها روشن می شود.

۲۳- چنانچه محکوم علیه، در مقام اجرای حکم قطعی دیوان عدالت اداری به موانع قانونی استناد کند، کدام مورد صحیح است؟

(۱) این جهت عذر موجه محسوب نمی شود و محکوم علیه باید موانع قانونی را برداشته و حکم را اجرا کند.

(۲) چنانچه دادرسی اجرای احکام دیوان آن را موجه تشخیص دهد، از موارد اعاده دادرسی تلقی می شود و پرونده جهت رسیدگی به شعبه صادر کننده رأی قطعی ارجاع می گردد.

(۳) چنانچه شعبه صادرکننده رأی قطعی دیوان عدالت اداری آن را موجه تشخیص دهد، از موارد اعاده دادرسی تلقی شده و پرونده برای رسیدگی به شعبه تجدیدنظر دیوان ارجاع می شود.

(۴) چنانچه شعبه صادرکننده رأی قطعی دیوان عدالت اداری آن را موجه تشخیص دهد، از موارد اعاده دادرسی تلقی شده و پرونده برای رسیدگی به هیئت عمومی دیوان ارجاع می شود.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

در خصوص این ماده نیز باید دقت کرد بر اساس ماده ۱۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری: «- در مواردی که محکوم علیه در مقام اجرای احکام قطعی دیوان، به موانع قانونی استناد نماید و یا به جهتی امکان عملی اجرای حکم نباشد و این جهات به تشخیص دادرسی اجرای احکام دیوان، موجه شناخته شود، از موارد اعاده دادرسی تلقی و پرونده به منظور رسیدگی به این جهات به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می گردد. شعبه مزبور در صورت تأیید وجود مانع قانونی و یا عدم امکان اجرای حکم، رأی مقتضی به جبران خسارت و یا تعیین جایگزین محکوم به صادر می نماید. در غیر این صورت قرار رد صادر و پرونده برای ادامه عملیات اجرائی به واحد اجرای احکام دیوان اعاده می شود. رأی و یا قرار صادر شده در این مرحله قطعی است.»

۲۴- رأیی از شورای حل اختلاف صادر می شود و نسبت به آن در دادگاه عمومی درخواست تجدیدنظر می شود، چنانچه دادگاه عمومی رأی شورا را به علت رد صلاحیت شورا فسخ کند و دعوی از صلاحیت دادگستری خارج نباشد، کدام مورد صحیح است؟

(۱) رسیدگی ماهوی نموده و رأی دادگاه می تواند با توجه به بهای خواسته، قابل تجدیدنظر باشد.

(۲) پرونده را به مرجع صالح ارسال می کند.

(۳) رسیدگی ماهوی نموده و رأی صادره قطعی است.

(۴) پرونده را جهت اعمال قواعد صلاحیت، به شورای حل اختلاف اعاده می نماید.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

در خصوص این سوال باید توجه داشت که آرای صادره از شورای حل اختلاف ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عمومی می باشد. تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون شورای حل اختلاف در حکمی مرتبط با این قاعده چنین اشعار می دارد: «هرگاه رأی مرجع تجدیدنظر در مقام رد صلاحیت شورا باشد رسیدگی ماهوی انجام و رأی اخیر به عنوان رأی شعبه بدوی تلقی و حسب مورد مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی و کیفری قابل تجدیدنظر است.» در خصوص این سوال ابتدا توضیحاتی را ارائه می دهیم و سپس دلیل انتخاب گزینه ۱ را تشریح خواهیم کرد. تصور کنید دعوی از صلاحیت شورا خارج است و باید در دادگاه های دادگستری مطرح گردد، با این حال خواهان این دعوا را در

شورای حل اختلاف مطرح می‌نماید و شورا نیز بدون توجه به عدم صلاحیت خود به موضوع رسیدگی کرده و رأی صادر می‌نماید. از رأی صادره تجدیدنظرخواهی به عمل می‌آید و پرونده در اجای ماده ۲۷ قانون شورای حل اختلاف در دادگاه عمومی مطرح می‌گردد. دادگاه عمومی ملاحظه می‌کند که شورای حل اختلاف صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به دعوا را نداشته است و با این حال رسیدگی کرده است. بر همین اساس بدون توجه به حکم یا قرار بودن آن، آن را نقض می‌نماید و اگر در صلاحیت خودش باشد بدان رسیدگی کرده و اگر در صلاحیت مرجع قضایی دادگستری دیگری (مانند دادگاه خانواده) با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نماید. اگر دادگاه عمومی خودش نسبت به رسیدگی ماهوی اقدام نماید رأی صادر توسط دادگاه عمومی رأی بدوی بوده که اصولاً با توجه به بهای خواسته قابلیت تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان را خواهد داشت. در بین گزینه‌ها دو گزینه ۱ و ۲ می‌تواند صحیح باشد. گزینه ۲ از این جهت صحیح است که قاعده کلی را وضع کرده است. یعنی بر اساس این گزینه اگر دادگاه عمومی رأی صادره از شورای حل اختلاف را به سبب عدم صلاحیت ذاتی شورا نقض نماید، اساساً باید پرونده را به مرجع صالح ارسال نماید. اگر مرجع صالح دادگاه دیگری مانند دادگاه خانواده باشد که باید با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده به این مرجع فرستاده شود. اما اگر مرجع صالح برای رسیدگی بدوی خود دادگاه عمومی باشد، در این صورت دیگر نیازی به صدور قرار عدم صلاحیت نیست و خود مبادرت به رسیدگی خواهد کرد. با این حال نص تبصره دو ماده ۲۷ قانون شورای حل اختلاف طوری تقریر یافته است که رسیدگی به طور غالب در صلاحیت دادگاه عمومی قرار می‌گیرد. اگر بخواهیم به طور منصفانه ای اصول آیین دادرسی را در نظر بگیریم باید گزینه ۲ را به عنوان گزینه صحیح انتخاب نماییم. اما اگر بخواهیم نص ماده ۲۷ قانون شورای حل اختلاف را مد نظر قرار دهیم گزینه ۱ صحیح خواهد بود. به نظر می‌رسد در طراحی این سوال، طراح سوال دقیقاً به همین موضوع توجه داشته است که آیا داوطلب از نص ماده اطلاعی دارد یا خیر. تجربه نیز نشان داده است در چنین وضعیت‌هایی بیشتر نص ماده مد نظر طراحان سوال قرار گرفته است.

۲۵- قرار تامین خواسته ای با موضوع بازداشت یک میلیارد ریال از دادگاه عمومی حقوقی صادر می‌شود. در جهت اجرای مفاد قرار، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) فقط چنانچه مستند قرار تامین خواسته اسناد رسمی و یا اسناد تجاری وخواست شده باشد، مرجع اجراکننده رأی می‌تواند به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست حساب‌های محکوم علیه را اعلام نماید.
- ۲) مرجع اجراکننده رأی باید رأساً به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های محکوم علیه در بانک‌ها و ... را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند.
- ۳) با توجه به اینکه حکمی علیه خوانده صادر نشده است، مرجع اجراکننده رأی نمی‌تواند به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست حساب‌های محکوم علیه را اعلام نماید.

۴) مرجع اجراکننده رأی باید به درخواست محکوم له، به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های محکوم علیه در بانک‌ها و ... را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

در خصوص این سوال باید توجه داشت که ماده ۱۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی چنین اشعار میدارد: «مرجع اجراکننده رأی باید به درخواست محکوم له به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های محکوم علیه در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند. همچنین دادگاه باید به درخواست

محکوم‌له یا خواننده دعوی اعسار به مراجع ذی‌ربط از قبیل ادارات ثبت محل و شهرداری‌ها دستور دهد که بر اساس نشانی کامل ملک یا نام مالک پلاک ثبتی ملکی را که احتمال تعلق آن به محکوم‌علیه وجود دارد برای توقیف به دادگاه اعلام کند. این حکم در مورد تمامی مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند نیز مجری است. از سوی دیگر تبصره ماده مزبور مقرر میدارد: «مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته موضوع ماده (۱۰۸) قانون آیین‌دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ / ۱ / ۲۱ و نیز اجرای مفاد اسناد رسمی مجری است». در خصوص این ماده باید دقت داشت که دادگاه بدون درخواست محکوم له راساً نمی‌تواند نسبت به استعلام حساب‌های محکوم علیه اقدام نماید. با این توضیح ایراد گزینه ۲ روشن می‌شود.

۲۶- در خصوص پذیرش درخواست مهر و موم ترکه از سوی طلبکار متوفی، کدام مورد صحیح است؟

(۱) در هیچ صورت پذیرفته نمی‌شود.

(۲) فقط چنانچه طلب وی مستند به سند رسمی و یا حکم قطعی باشد و یا در صورتی که در مقابل طلب، رهن و یا تأمین دیگری نباشد، به مقدار طلب پذیرفته می‌شود.

(۳) فقط چنانچه طلب وی مستند به حکم قطعی دادگاه باشد، به مقدار طلب پذیرفته می‌شود، حتی اگر رهن و یا تأمین دیگری داشته باشد.

(۴) فقط در صورتی پذیرفته می‌شود که وراثت صریحاً ترکه را قبول کرده باشند.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

در خصوص این ماده باید به ماده ۱۶۷ ق.آ.د.م دقت داشت که مقرر میدارد: «اشخاص مذکور زیر می‌توانند درخواست مهر و موم ترکه را بنمایند:

۱ - هر یک از ورثه متوفی یا نماینده قانونی آنها.

۲ - موصی‌له در صورتی که وصیت به جزء مشاع شده باشد

۳ - طلبکار متوفی که طلب او مستند به سند رسمی یا حکم قطعی باشد به مقدار طلب در صورتی که در مقابل طلب رهن نبوده و ترتیب دیگری هم برای تأمین طلب نشده باشد

۴ - کسی که از طرف متوفی به عنوان وصایت معین شده باشد.»

باید دقت داشت در طرح این سوال مسامحه ای رخ داده است و بر همین اساس هیچ یک از گزینه‌ها نمی‌تواند صحیح باشد. در واقع در گزینه ۲ عبارت «یا» در جمله: «...و یا در صورتی که در مقابل طلب...» اضافه می‌باشد که به طور اساسی مفهوم ماده و گزینه را تغییر داده است. در حقیقت این سوال از بند ۳ ماده ۱۶۷ قانون امور حسبی طرح گردیده است که در ماده و بند مزبور حرف «یا» وجود ندارد. به نظر می‌رسد نمی‌توان از این مسامحه گذشت و این سوال باید توسط سازمان سنجش حذف گردد.

۲۷- رأی از دادگاه انتظامی وکلا صادر می شود. در خصوص تجدیدنظرخواهی رئیس کانون وکلا، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) رأی مجازات در هر حال در مهلت قانونی، قابل تجدیدنظر در دادگاه انتظامی قضات است.
- (۲) رأی مجازات درجه چهارم به بالا، ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظر در دادگاه انتظامی قضات است.
- (۳) **رأی مجازات درجه چهارم به بالا، ظرف ۱۰ روز قابل تجدیدنظر در دادگاه انتظامی قضات است.**
- (۴) رأی مجازات ظرف مهلت قانونی، قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر انتظامی وکلا است.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

در خصوص این سوال باید دقت داشت طبق ماده ۱۴ لایحه استقلال کانون وکلا: « رسیدگی به تخلفات وکلا و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی وکلا است دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه ۱ که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلا پایه ۱ انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضاء اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. مجازات‌های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده از کلیه آراء صادره و همچنین دادرسی انتظامی وکلا و رییس کانون از حکم برائت و از مجازات‌های درجه ۴ به بالا می‌تواند ظرف مدت ده روز پس از ابللاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

۲۸- چنانچه خواننده دو وکیل معرفی کرده باشد، در خصوص استماع دفاعیات وکیل در اولین جلسه دادرسی، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) **فقط با حضور هر دو وکیل و با دادن لایحه توسط هر دو وکیل و یا حضور یکی و دادن لایحه توسط وکیل غایب، به دفاعیات آنها توجه می شود.**
- (۲) فقط در صورت حضور همزمان هر دو وکیل، به دفاعیات وکیل توجه می شود.
- (۳) کافی است یکی از وکلا حاضر شده و یا لایحه دهد تا دادگاه به دفاعیات وکیل توجه نماید.
- (۴) در صورت ارسال لایحه توسط یک وکیل و احراز عذر موجه وکیل غایب، به دفاعیات وکیل توجه می شود.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

در تشریح این سوال باید دقت داشت بر اساس ماده ۴۴ ق.آ.د.م: « در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دونفر وکیل معرفی کرده و به هیچیک از آنها به‌طور منفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هر دو یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هر دو وکیل یا یکی از آنان عذر موجهی برای عدم حضور اعلام نموده‌باشد، در صورت ضرورت، جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می‌شود. در این صورت جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد»

باید توجه داشت در صورتی که موکل دو نفر وکیل را برای دفاع به صورت اجتماعی معرفی کرده باشد، استماع دفاعیات وکلا در صورتی ممکن است که یا: ۱- هر دو حاضر باشند ۲- یکی حاضر و دیگری لایحه ارسال نماید ۳- هر دو لایحه ارسال نمایند. نکته اول آنکه اگر یکی از وکلا نه حاضر شود و نه لایحه دفاعیه ارسال نماید، دادگاه بع لایحه و دفاعیات وکیل حاضر نیز توجهی نخواهد کرد. نکته بعدی اینکه، وکلا در صورتی می‌توانند به دادگاه لایحه ارسال نمایند که طبق ماده ۴۲ ق.ا.د.م، به دادگاه کیفری دیگری دعوت شده باشند.

۲۹- خواهان به استناد سندی اقامه دعوی می کند، خوانده در مهلت مقرر نسبت به آن ادعای جعل می نماید. چنانچه دادگاه برای رسیدگی به اصالت سند، نیاز به دلیلی داشته باشد که در پرونده دیگری وجود دارد، کدام مورد صحیح است؟

(۱) اگر پرونده حاوی دلیل در دادگاه مدنی و یا کیفری موجود باشد، دادگاه فقط می تواند دادرسی علی البدل و یا مدیر دفتر دادگاه را مأمور کند که رونوشت موارد استنادی را گرفته و تحویل دادگاه دهد.

(۲) اگر پرونده حاوی دلیل در دادگاه کیفری موجود باشد، دادگاه رأساً پرونده را مطالبه می کند.

(۳) اگر پرونده حاوی دلیل در دادگاه کیفری و یا حقوقی موجود باشد، دادگاه می تواند به ذی نفع تقاضانامه ای داده تا رونوشت موارد استنادی به وی داده شود.

(۴) اگر پرونده حاوی دلیل در دادگاه کیفری موجود باشد، دادگاه فقط می تواند دادرسی علی البدل را مأمور نماید که رونوشت موارد استنادی را گرفته و تحویل دادگاه دهد.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

در تشریح این سوال نیز باید توجه داشت به استناد ماده ۲۱۴ ق.ا.د.م: «هرگاه یکی از اصحاب دعوا به استناد پرونده کیفری ادعایی نماید که رجوع به آن پرونده لازم باشد، دادگاه می‌تواند پرونده را مطالبه کند. مرجع ذی‌ربط مکلف است پرونده درخواستی را ارسال نماید». در ادامه ماده ۲۱۵ ق.ا.د.م نیز چنین اشعار داشته است: «چنانچه یکی از اصحاب دعوا استناد به پرونده دعوای مدنی دیگری نماید، دادگاه به درخواست او خطاب به مرجع ذی‌ربط تقاضانامه‌ای به وی می‌دهد که رونوشت موارد استنادی در مدت معینی به او داده شود. در صورت لزوم دادگاه می‌تواند پرونده مورد استناد را خواسته و ملاحظه نماید».

در جمع این دو ماده باید توجه داشت که ممکن است دادگاه در رسیدگی به دعوایی به پرونده حقوقی یا کیفری نیاز داشته باشد. اگر مدرکی در پرونده حقوقی را لازم می‌بیند به درخواست اصحاب دعوا دستوری صادر می‌کند که رونوشت مدرک یا سند مزبور در مدت معینی به دادگاه ارسال شود. هر موقع هم نیاز به اصل پرونده باشد دادگاه رأساً پرونده را مطالبه و ملاحظه می‌نماید. در مورد پرونده کیفری باید دقت داشت گرفتن تصویر یا رونوشت از اسناد و مدارک موجود در پرونده ممنوع است و در هر موردی که نسبت به پرونده کیفری استناد شود دادگاه در همان ابتدا باید اصل پرونده را مطالبه نماید و پرونده کیفری مستقیماً به دادگاه ارسال می‌شود.

ایراد گزینه ۱ آن است که اگر استناد به پرونده حقوقی شود رونوشت و تصویر اسناد را به وسیله اصحاب دعوا به دادگاه ارسال می‌نمایند نه توسط دادرسی علی البدل یا مدیر دفتر.

ایراد گزینه ۳ و ۴ آن است که تهیه رونوشت از اسناد و مدارک موجود در پرونده کیفری تحت هیچ شرایطی امکان پذیر نیست.

۳۰- دعوای اعسار از هزینه دادرسی، به میزان یک میلیارد ریال هزینه دادرسی اقامه می شود و دادگاه حکم اعسار صادر می کند. در خصوص شکایت از این حکم کدام مورد صحیح است؟
(۱) حکم صادره قطعی است.

(۲) چنانچه خوانده در هیچ یک از جلسات دادرسی حاضر نشده و لایحه نیز تقدیم نکرده باشد و ابلاغ نیز واقعی نباشد، حکم اعسار قابل واخواهی خواهد بود.

(۳) چنانچه خوانده در هیچ یک از جلسات دادرسی حاضر نشده و لایحه نیز تقدیم نکرده باشد، حکم اعسار قابل واخواهی خواهد بود.
(۴) حکم صادره در هر حال قابل تجدیدنظر است.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

در خصوص این سوال باید توجه داشت اولاً به استناد شق اخیر ماده ۵۰۷ ق.آ.د.م: «به هر حال حکم صادره در خصوص اعسار حضوری محسوب است». با همین یک بند گزینه‌های ۲ و ۳ از دور خارج خواهند شد. از سوی دیگر، به استناد ماده ۱۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۱۳۹۴: «دعوای اعسار غیرمالی است و در مرحله بدوی و تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می‌شود» و مستنداً به ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م که تمامی دعاوی غیرمالی را قابل تجدیدنظرخواهی می‌داند می‌تواند صحت گزینه‌ی ۴ را احراز کرد.

۳۱- دعوایی به استناد سندی اقامه می شود و خوانده نسبت به سند مذکور، ادعای جعل می کند. تکلیف دادگاه نسبت به سند چیست؟

(۱) دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوی، در هر حال نسبت به سند تعیین تکلیف کند.

(۲) دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوی، فقط اگر سند را اصیل تشخیص داد، نسبت به سند تعیین تکلیف کند.

(۳) دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوی، فقط اگر سند را مجعول تشخیص داد، نسبت به سند تعیین تکلیف کند.

(۴) دادگاه مکلف است حکم راجع به ماهیت دعوی را صادر کند، اما تعیین تکلیف نسبت به سند مستلزم قطعی شدن رأی است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

در خصوص این سوال نیز باید توجه داشت که به استناد ماده ۲۲۱ ق.آ.د.م: «دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوا نسبت به سندی که در مورد آن ادعای جعل شده است، تعیین تکلیف نموده، اگر آنرا مجعول تشخیص ندهد، دستور تحویل آنرا به صاحب سند صادر نماید و در صورتی که آنرا مجعول بداند، تکلیف اینکه باید تمام سند از بین برده شود و یا قسمت مجعول در روی سند ابطال گردد یا کلماتی محو و یا تغییر داده شود تعیین خواهد کرد. اجرای رأی دادگاه در این خصوص منوط است به قطعی شدن حکم دادگاه در ماهیت دعوا و گذشتن مدت درخواست تجدیدنظر یا ابرام حکم در مواردی که قابل تجدیدنظر می‌باشد و در صورتی که وجود اسناد و نوشته‌های راجع به دعوای جعل در دفتر دادگاه لازم نباشد، دادگاه دستور اعاده اسناد و نوشته‌ها را به صاحبان آنها می‌دهد.»

ایراد گزینه ۲ آن است که بر طبق ماده ۲۲۱ دادگاه در هر حال چه سند را اصیل تشخیص می‌دهد چه آن را جعلی می‌داند باید نسبت بدان اتخاذ تصمیم نماید و اصیل یا جعلی بودن سند را اعلام نماید. در حالیکه گزینه ۲ چنان طراحی شده که دادگاه تنها در صورتی که سند را اصلی می‌داند باید نسبت به تعیین تکلیف نماید. ایراد گزینه ۳ آن است که، دقیقاً حالت عکس گزینه ۲ در آن مطرح شده است که آن نیز غلط است. ایراد گزینه ۴ آن است که بر اساس ماده ۲۲۱ ق.آ.د.م تعیین تکلیف نسبت به اصالت یا معجولیت سندی در همان دادرسی نخستین انجام می‌پذیرد و تنها اجرای حکم دادگاه در خصوص معدوم کردن سند یا اصلاح بخشی از آن منوط بر قطعی شدن رای دادگاه است. در حالی که گزینه ۴ جوری انشاء شده است که گویی حتی تصمیم گیری در خصوص معجول بودن سند نیز منوط بر نهایی شدن حکم دادگاه است.

۳۲- چکی از حساب مشترک سه نفر به مبلغ یک میلیارد ریال در شهر شیراز عهده بانک صادرات شعبه شیراز صادر می‌شود و با مراجعه دارنده چک به بانک محال علیه، بانک مزبور به علت فقدان موجودی، گواهی عدم پرداخت صادر می‌کند. چنانچه یکی از صادرکنندگان چک مقیم شیراز و دیگری مقیم اصفهان و سومی مقیم تهران باشد، خواهان برای اقامه دعوی و مطالبه وجه چک به کدام یک از دادگاه های نقاط مزبور باید مراجعه کند؟
(۱) فقط می‌تواند به دادگاه شیراز مراجعه کند.

(۲) می‌تواند به هر یک از دادگاه های شیراز، اصفهان و یا تهران مراجعه کند.

(۳) فقط می‌تواند به دادگاه های شیراز یا اصفهان مراجعه کند.

(۴) فقط می‌تواند به دادگاه های شیراز یا تهران مراجعه کند.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

در تشریح است سوال نیز باید گفت که با توجه به اینکه خوانندگان دعوای مطالبه وجه چک در مورد چک مزبور سه نفر می‌باشد که هر کدام در حوزه قضایی مختلفی مقیم هستند، مستند به ماده ۱۶ ق.آ.د.م خواهان می‌تواند دعوا را در محل اقامتگاه هر یک از خوانندگان مطرح نماید.

۳۳- دادگاه در دعوایی که به خواسته خلع ید از ملکی اقامه می‌شود، در پایان اولین جلسه دادرسی، قرار تحقیق و معاینه محل صادر می‌کند و این قرار اجرا می‌شود. در خصوص تکلیف دادگاه به تشکیل جلسه دادرسی، پس از اجرای قرارهای یاد شده، کدام مورد صحیح است؟

(۱) دادگاه فقط پس از اجرای قرار تحقیق محلی، مکلف است جلسه دادرسی تشکیل دهد.

(۲) دادگاه مکلف نیست جلسه دادرسی تشکیل دهد.

(۳) دادگاه پس از اجرای هر دو قرار، مکلف است جلسه دادرسی تشکیل دهد.

(۴) دادگاه فقط پس از اجرای قرار معاینه محل، مکلف است جلسه دادرسی تشکیل دهد.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

در خصوص این سوال باید دقت داشت که به طور معمول قرارهای اعدادی و مقدماتی در زمانی صادر می‌شود که دادگاه بخواهد رأی خود مستند به امری نماید که احراز تحقق آن در خارج از دادگاه و با اجرای قرار امکان پذیر است. هرگاه

امر مزبور محرز گردید و دادگاه را به قناعت وجدانی لازم رساند در این صورت دیگر نیازی به تشکیل جلسه مجدد وجود ندارد، اما اگر نتیجه قرار به شکلی باشد که دادگاه نیاز به تشکیل جلسه جدیدی داشته باشد، در این صورت نسبت به آن اقدام خواهد کرد. در خصوص این سوال نیاز پس از آنکه نتیجه تحقیق محل و معاینه محل به نفع یکی از طرفین دعوا باشد و دادگاه به قناعت وجدانی برای صدور رأی مقتضی برسد، تکلیفی در تشکیل جلسه مجدد ندارد.

۳۴- در خصوص درخواست تصحیح رأی داور واحد، پس از پایان مدت داوری و پیش از پایان مهلت اعتراض به رأی داور، کدام مورد صحیح است؟

(۱) رسیدگی به درخواست به عهده دادگاه است که باید ظرف ۲۰ روز تصمیم گیری و ابلاغ نماید. در این صورت، رسیدگی به اعتراض به رأی داور تا تصمیم گیری دادگاه و یا پایان مهلت یاد شده متوقف می ماند.

(۲) رسیدگی به درخواست با دادگاه است اما این امر، مانع رسیدگی به اعتراض به رأی داور نیست و دادگاه همزمان به درخواست تصحیح رأی داور نیز رسیدگی می کند.

(۳) رسیدگی به درخواست با داور است که باید ظرف ۲۰ روز تصمیم گیری و ابلاغ نماید. دادگاه، بدون توجه به درخواست تصحیح رأی دار به اعتراض به رأی داور رسیدگی می کند.

(۴) رسیدگی به درخواست با داور است که باید ظرف ۲۰ روز تصمیم گیری و ابلاغ نماید. در این صورت، رسیدگی به اعتراض به رأی داور تا تصمیم گیری داور یا پایان مهلت یاد شده متوقف می ماند.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

در تشریح این سوال باید به ماده ۴۸۷ ق.آ.د.م توجه داشت که مقرر میدارد: «تصحیح رأی داوری در حدود ماده (۳۰۹) این قانون قبل از انقضای مدت داوری راساً با داور یا داوران است و پس از انقضای آن تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور، به درخواست طرفین یا یکی از آنان با داور یا داوران صادر کننده رأی خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ تقاضای تصحیح رأی اتخاذ تصمیم نمایند. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. در این صورت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضای مدت یاد شده متوقف می ماند.»
با این توضیح ایراد سایر گزینه ها نیز روشن می شود.

۳۵- خواهان به استناد سندی اقامه دعوی نموده و محکومیت خوانده را به تحویل مال مورد هبه درخواست می کند. خوانده که از هبه منصرف شده است ضمن دفاع در ماهیت دعوی، کدام یک از اقدامات زیر را می تواند انجام دهد و دادگاه با توجه به دفاعیات خوانده، چه تصمیمی باید اتخاذ نماید؟

(۱) ایراد عدم جزمیت، مگر اینکه مستند دعوی سند رسمی باشد؛ دادگاه در صورت پذیرش ایراد، قرار عدم استماع دعوی صادر می کند.

(۲) ایراد فقد اثر قانونی، مگر اینکه مستند دعوی سند رسمی باشد؛ دادگاه در صورت پذیرش ایراد، قرار رد دعوی صادر می کند.

(۳) ایراد فقد اثر قانونی، حتی اگر مستند دعوی سند رسمی باشد؛ دادگاه در صورت پذیرش ایراد، قرار رد دعوی صادر می کند.

(۴) ایراد عدم جزمیت، حتی اگر مستند دعوی سند رسمی باشد؛ دادگاه در صورت پذیرش ایراد، قرار عدم استماع دعوی صادر می کند.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

در خصوص این سوال باید دقت داشت که یکی از ایراداتی که خوانده می‌تواند بر دعوای خواهان مطرح نماید ایراد عدم ترتب اثر قانونی بر دعواست. این ایراد در بند ۸ از ماده ۸۴ ق.آ.د.م به این شکل تقریر یافته است: «دعوا بر فرض ثبوت، اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض» این ایراد زمانی مطرح می‌گردد که با وجود آنکه تمامی اموری که خواهان مدعی آن هست حتی اگر حقیقت نیز داشته باشد بازهم تاثیری در حقانیت وی ندارد.

۳۶- دعوایی مالی در دادگاه عمومی حقوقی اقامه می‌شود. دادگاه در پی رسیدگی، اقدام به صدور حکم نموده و آن را حضوری اعلام می‌کند، اما محکوم علیه حکم را غیابی دانسته و در مهلت مقرر نسبت به آن واخواهی می‌نماید. دادگاه پس از واخواهی محکوم علیه، بی آنکه جلسه دادرسی تشکیل دهد، قرار عدم استماع واخواهی به علت حضوری بودن حکم را صادر می‌کند. در خصوص قابل شکایت بودن این قرار، کدام مورد صحیح است؟

(۱) **حسب مورد، می‌تواند قطعی و یا قابل تجدیدنظر باشد.**

(۲) در هر حال قطعی است.

(۳) در هر حال قابل واخواهی است.

(۴) در هر حال قابل تجدیدنظر است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

در تشریح این سوال باید توجه داشت که اولاً اگر دادگاه حکم صادره را حضوری اعلام نماید اما محکوم علیه اعتقاد داشته باشد که حکم به صورت غیابی صادر شده است این اقدام مانع از واخواهی نیست و دادگاه بدوی باید دادخواست واخواهی را بپذیرد اما اگر دادگاه بدوی همچنان اعتقاد بر حضوری بودن حکم صادره داشته باشد مکلف به صدور قرار عدم استماع دعواست و در این خصوص نیازی نیز به تشکیل جلسه دادرسی وجود ندارد. حال باید دید که این قرار قابلیت تجدیدنظرخواهی را دارد یا خیر. به استناد ماده ۳۳۲ ق.آ.د.م قرارهای قاطع دعوا در صورتی که اصل خواسته قابل تجدیدنظرخواهی باشد قابل تجدیدنظر می‌باشند. بنابراین، در مساله حاضر نیز اگر دعوایی که در ذهن طراح سوال بوده است غیرمالی یا مالی بالای ۳ میلیون ریال است قرار عدم استماع دعوا قابل تجدیدنظرخواهی است. اما در صورتی که دعوای مالی تا نصاب ۳ میلیون است قرار صادره نیز قطعی و غیرقابل تجدیدنظر خواهد بود.

۳۷- میان طرفین دعوایی که در دادگاه عمومی حقوقی مطرح شده، در جریان دادرسی برابر مقررات، سازش حاصل می‌شود. در خصوص مرجع درخواست اجرای مفاد سازشنامه، کدام مورد صحیح است؟

(۱) ذی نفع در انتخاب دادگاه و یا «اجرای ثبت» مختار است.

(۲) **اگر در دادگاه تنظیم شده باشد، دادگاه و اگر در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، مطابق آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا است.**

(۳) خواه در دادگاه تنظیم شده باشد یا دفتر اسناد رسمی، «اجرای ثبت» است.

(۴) خواه در دادگاه تنظیم شده باشد یا دفتر اسناد رسمی، دادگاه است.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

می‌دانیم طرفین دعوا قبل از طرح دعوا و حتی پس از طرح آن در هر مرحله از دادرسی می‌توانند با یکدیگر صلح و سازش نمایند. صلح و سازش بین طرفین یا در دادگاه صورت می‌پذیرد یا در دفترخانه اسناد رسمی (ماده ۱۸۰)

ق.آ.د.م). اگر سازش در دفترخانه اسناد رسمی صورت بگیرد «سازشنامه» رسمی بین طرفین تنظیم می‌گردد که برابر اجرای مفاد اسناد رسمی به موقع اجرا گذاره می‌شود. اما اگر سازش در دادگاه صورت بگیرد، دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و اقدام به تنظیم «گزارش اصلاحی» خواهد نمود. سازش در دادگاه نیز برابر با اجرای احکام مدنی به موقع اجرا گذارده می‌شود. در خصوص این موضوعات ابتدا ماده ۱۸۱ ق.آ.د.م چنین اشعار میدارد: «هرگاه سازش در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، دادگاه ختم موضوع را به موجب سازشنامه در پرونده مربوط قید می‌نماید و اجرای آن تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد، لازم‌الاجرا خواهد بود». از طرف دیگر ماده ۱۸۴ قانون مزبور نیز مقرر میدارد: «دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید مفاد سازشنامه که طبق مواد فوق تنظیم می‌شود نسبت به طرفین و وراث و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاهها به موقع اجرا گذاشته می‌شود، چه این که مورد سازش مخصوص به دعوی مطروحه بوده یا شامل دعاوی یا امور دیگری باشد».

۳۸- مالک رسمی زمینی مزروعی که بر آن زراعت می نموده و برای انجام مأموریت دولتی پنج ساله، زمین مزبور را بی آنکه به تصرف کسی دهد، ترک نموده و عازم مأموریت می شود. پس از گذشت دو سال، شخصی بدون اجازه و رضایت وی، زمین را تصرف می کند. در خصوص اقدام قانونی شخص مزبور برای بازپس گیری زمین، کدام مورد صحیح است؟

(۱) فقط می تواند دعوی خلع ید اقامه کند.

(۲) حسب مورد، دعوی خلع ید یا تصرف عدوانی اقامه نموده و یا به استناد سند رسمی مالکیت درخواست اجرای مفاد سند رسمی از «اجرای ثبت» کند.

(۳) حسب مورد، دعوی خلع ید یا تصرف عدوانی اقامه کند.

(۴) فقط می تواند دعوی تصرف عدوانی اقامه کند.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

در خصوص این سوال بحث فراوان است. منشاء مباحث از جایی آغاز می‌گردد که در زمان حکوم قانون سابق آیین دادرسی مدنی طرح دعوی تصرف عدوانی تنها تا یکسال از تاریخ تصرف ممکن بود (ماده ۳۲۶ قانون قدیم آیین دادرسی مدنی). زیرا پس از گذشتن یک سال، تصرفات متصرف جدید محترم شمرده می‌شد. با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی جدید در سال ۱۳۷۹ ماده مزبور حذف گردید و هیچ ماده جایگزینی نیز پیش‌بینی نشد. این سوال مطرح شد که آیا در قانون جدید آیین دادرسی مدنی نیز طرح دعوی تصرف عدوانی تنها تا یکسال از تاریخ تصرف ممکن است یا با حذف یکسال در قانون جدید قواعد مربوط به طرح دعوا در بازه زمانی یکسال را باید منسوخ دانست. دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص مطرح شده است. با این حال از دیدگاه دکتر عبدالله شمس قواعد مربوط به یکسال همچنان در زمان حکومت قانون جدید نیز با پرجاست (شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، ص ۳۴۲). زیرا، دلیل حذف ماده مزبور و عدم پیش‌بینی ماده جایگزین به سبب این نیست که قانونگذار میخواست محدودیت زمانی را بردارد بلکه به این خاطر بوده است که این امر چنان در رویه قضایی ایران بدیهی و قطعی است که قانون گذار جدید نیازی به تصریح آن ندیده است. با این حال در خصوص این سوال اگر نصوص قانونی را در نظر بگیریم گزینه ۳ صحیح باید اعلام شود. زیرا در نصوص حال حاضر هیچ محدودیت زمانی برای دعوی تصرف عدوانی وجود ندارد. بنابراین، اگر کسی در آن واحد

هم متصرف ملکی و هم مالک رسمی آن ملک باشد و شخص دیگری ملک را از تصرف وی خارج نماید، شخص مزبور می-توان علاوه بر اینکه با اتکا به مالکیت خود دعوی «خلع ید» اقامه نماید در عین حال می-تواند با اتکا به سبق تصرفات خود «دعوی تصرف عدوانی» اقامه نماید. با این حال ممکن است از دیدگاه شارح سوال و با توجه به اینکه طراح سوال در صورت مساله از مدت های محدود استفاده کرده است ممکن است با عنایت به نظریه دکتر شمس و استدلال ایشان از قانون قدیم با در نظر گرفتن مدت یک سال گزینه ۱ مورد نظر باشد.

۳۹- دادگاه عمومی حقوقی قرار کارشناسی صادر و کارشناس را انتخاب می کند. در خصوص تمایل طرفین به معرفی کارشناس مرضی طرفین، کدام مورد صحیح است؟

(۱) طرفین می توانند قبل از اقدام کارشناس منتخب، به تراضی، کارشناس انتخاب کنند که می تواند از کارشناسان رسمی نباشد.

(۲) طرفین نمی توانند پس از انتخاب کارشناس منتخب توسط دادگاه، کارشناس مرضی طرفین انتخاب کنند.

(۳) طرفین می توانند قبل از اقدام کارشناس منتخب، به تراضی کارشناس انتخاب کنند که باید از کارشناسان رسمی باشد.

(۴) طرفین فقط در دعوی مالی می توانند قبل از اقدام کارشناس منتخب، به تراضی، کارشناس انتخاب کنند که باید از کارشناسان رسمی باشد.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

در مورد این ماده باید توجه داشت که مادهی ۲۶۸ ق.آ.د.م مقرر میدارد: «طرفین دعوا در هر مورد که قرار رجوع به کارشناس صادر می شود، می توانند قبل از اقدام کارشناس یا کارشناسان منتخب، کارشناس یا کارشناسان دیگری را با تراضی، انتخاب و به دادگاه معرفی نمایند. در این صورت کارشناس مرضی طرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می شود ممکن است غیر از کارشناس رسمی باشد».

بسیاری از داوطلبین نکته این سوال را با نکته مربوط به قاطع بودن نظر کارشناس اشتباه گرفته بودند. در واقع به استناد تبصره ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م در صورتی که طرفین به صورت کتبی نظر کارشناس را قاطع دعوا قرار داده باشند، رأی صادره از دادگاه بدوی قابل تجدیدنظرخواهی نخواهد بود. از دیدگاه استاد شمس با وجود اینکه، طرفین می توانند کارشناس مورد نظر را با تراضی یکدیگر تعیین نمایند که شخصی غیر از کارشناسی دادگستری باشند، اما تنها نظر کارشناسی را می توانند قاطع دعوا قرار دهند که کارشناس رسمی دادگستری باشد (شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، ص ۳۶۸).

۴۰- پرونده ای در دیوان عالی کشور برای رسیدگی به فرجام خواهی مطرح می شود. طرفین از دیوان عالی کشور درخواست ارجاع امر به داوری را می نمایند. در خصوص اقدام دیوان عالی کشور در این باره، کدام مورد صحیح است؟
 (۱) باید ابتدا رأی فرجام خواسته را نقض و پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادر کننده رأی فرجام خواسته ارسال کند، البته اگر دادگاه صادر کننده رأی دادگاه تجدیدنظر باشد.
 (۲) با توجه به صلاحیت دیوان، درخواست پذیرفته نمی شود.
 (۳) باید پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته ارسال کند، البته اگر دادگاه صادرکننده رأی، دادگاه تجدیدنظر باشد.

(۴) باید پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته ارسال کند، حتی اگر دادگاه صادرکننده رأی، دادگاه نخستین باشد.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

به استناد ماده ۴۹۴ ق.آ.د.م: «چنانچه دعوا در مرحله فرجامی باشد، و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته ارسال می‌دارد».

حقوق تجارت

۴۱- افزایش سرمایه شرکت سهامی از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود شرکت، در کدام مورد مجاز است؟

(۱) حداقل ۲۵ درصد سرمایه، تعهد و بقیه آن پرداخت می شود.

(۲) کلیه افزایش سرمایه، تعهد شود.

(۳) کلیه افزایش سرمایه، نقداً پرداخت شود.

(۴) حداقل ۳۵ درصد سرمایه، نقداً پرداخت شود.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

با استناد به ماده ۱۸۸ ل.ا.ق.ت.

۴۲- در صورت عدم ارائه صورت حساب دارایی و دفاتر تجاری توسط تاجر متقاضی ورشکستگی، دادگاه چه تصمیم

باید بگیرد؟

(۱) درخواست صدور حکم ورشکستگی را رد کند.

(۲) پرونده را برای رسیدگی به دادسرا ارسال تا دادسرا عندالافتضا برای متقاضی، کیفرخواست ورشکستگی به تقصیر صادر کند.

(۳) در صورتی که صورت حساب دارایی و دفاتر تجاری ظرف سه روز ارائه نشده باشند، درخواست متقاضی را رد کند.

(۴) به دلایل دیگر ورشکستگی تاجر رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر کند.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

با استناد به رأی وحدت رویه شماره ۷۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۸/۹ صادره از دیوان عالی کشور. متن رأی مزبور به این قرار

است: « هر چند تاجر متقاضی صدور حکم ورشکستگی به حکم ماده ۴۱۳ قانون تجارت باید کلیه دفاتر تجاری و

صورت حساب دارایی خود را که متضمن مراتب مذکور در ماده ۴۱۴ آن قانون باشد به دفاتر دادگاه تسلیم نماید، لکن

عدم انجام این تکلیف از سوی تاجر مدعی توقف با توجه به ضمانت اجرای تکلیف به شرح مقرر در ماده ۴۳۵ و بند ۲

ماده ۵۴۲ همان قانون، مانع رسیدگی به دعوی او نیست... »

۴۳- از دید قانون بازار اوراق بهادار ایران، بازار مشتقه به بازاری گفته می شود که در آن،

(۱) اوراق بهادار، پس از عرضه اولیه، دادوستد می شوند.

(۲) قراردادهای آتی و اختیار معامله مبتنی بر اوراق بهادار و کالا معامله می شود.

(۳) اوراق بهادار و کالاها، پس از عرضه اولیه، دادوستد می شوند.

(۴) کارگزاران خاص، معاملات راجع به کالا را انجام می دهند.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

با استناد به بند ۱۱ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران. مطابق این بند، بازار مشتقه، بازاری است

که در آن قراردادهای آتی و اختیار معامله مبتنی بر اوراق بهادار یا کالا داد و ستد می شود.

۴۴- در خصوص حق العمل کاری، کدام مورد صحیح نیست؟

- (۱) حق العمل کار به هیچ عنوان در بیمه نمودن اموال موضوع معامله مسئولیت ندارد، مگر آنکه آمر دستور داده باشد.
- (۲) آمر حق رجوع از معامله و امر خود را دارد.

(۳) در هر صورت، حق العمل کار حق دریافت حق الزحمه را دارد، خواه کار انجام شده یا نشده باشد.

- (۴) حق العمل کار مستحق دریافت هزینه هایی که برای انجام معامله لازم و به نفع آمر بوده است، می باشد.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

با استناد به ماده ۳۶۹ ق.ت. مطابق ماده ۳۶۹ ق.ت: «وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد. نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می نماید.»

گزینه ۳ مخالف با ماده ۳۶۹ ق.ت بوده و نادرست می باشد و به عنوان پاسخ این سوال است. گزینه ۱ با استناد به ماده ۳۶۰ ق.ت صحیح است. گزینه ۲ با استناد به ماده ۳۷۶ ق.ت بخصوصه و نیز با استدلال به ماده ۳۵۸ ق.ت که در زمینه فرض سوال به ماده ۶۷۹ ق.م ارجاع می دهد صحیح است. گزینه ۴ با استناد به ماده ۳۶۸ ق.ت صحیح می باشد.

۴۵- با صدور حکم ورشکستگی، کدام مورد در خصوص مهر و موم اموال تاجر ورشکسته، صحیح است؟

- (۱) پس از قطعیت حکم ورشکستگی، با پیشنهاد عضو ناظر، دادستان دستور مهروموم را خواهد داد.

(۲) دادگاه باید حکم به مهروموم اموال را به جز مستثنیات دین بدهد.

- (۳) دادگاه حکم به مهروموم اموال، از جمله مستثنیات دین را خواهد داد.

- (۴) دادگاه حکم به مهروموم اموال تاجر را با پیشنهاد عضو ناظر خواهد داد.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

با استناد به مواد ۴۳۳ و ۴۴۴ ق.ت.

۴۶- در خصوص صدور و ظهرنویسی چک در صورتی که میان دو تاجر باشد، کدام مورد صحیح است؟

- (۲) به هیچ وجه تجاری نیست.

(۱) اگر برای رفع حوائج تجاری باشد، تجاری است.

- (۴) در هر صورت تجاری است.

- (۳) فقط در معاملات غیرمنقول تجاری نیست.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

با استناد به مواد ۳ (بند ۱) و ۵ ق.ت. توضیح اینکه صدور و ظهرنویسی چک یا سفته، جزء اعمال تجاری تبعی است برخلاف اعمال حقوقی بر برات که با استناد به بند ۸ ماده ۲ ق.ت عمل تجاری ذاتی است. اعمال تجاری تبعی در ماده ۳ قانون تجارت متجلی شده اند. قید «حوائج تجاری» و «امور تجاری» در بندهای ۲ و ۳ ماده ۳ ق.ت بیان شده اما بنا بر نظر دکتر اسکینی، این قید باید در بند ۱ ماده ۳ نیز لحاظ شود. از این رو کلیه معاملات تجار با یکدیگر در صورتی که برای حوائج تجاری باشد عمل تجاری تبعی خواهد بود. بر همین اساس گزینه ۱ صحیح می باشد. آنچه به عنوان مؤید نظر دکتر اسکینی توسط ایشان بیان شده آن است که ماده ۵ ق.ت اماره قانونی تجاری بودن کلیه معاملات تجار را بیان

می دارد و لذا می توان گفت امکان اثبات تجارتي نبودن چنین معاملاتی وجود دارد. به همین جهت نمی توان تمام معاملات بین تجار را در هر حالت تجارتي محسوب نمود.

۴۷- تاجر، مالی را برای دیگران خریداری کرده و سپس ورشکسته شده است. در صورتیکه عین مال نزد ورشکسته موجود باشد، کدام مورد صحیح است؟

(۱) در هر حال، مال متعلق به خریدار است.
(۲) اگر بهای مال از طرف خریدار به تاجر ورشکسته داده شده باشد، ولی فروشنده بهای مال را دریافت نکرده باشد، شخص اخیر حق استرداد مال را دارد.

(۳) اگر تاجر ورشکسته قیمت مال را پرداخت کرده باشد، مکلف نیست تا آن را به خریدار مسترد کند.

(۴) اگر قیمت مال پرداخت شده باشد، خریدار حق استرداد آن را دارد.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

با استناد به ماده ۵۳۰ ق.ت. این ماده مقرر می دارد: «مال التجاره هایی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخت نشده باشد از طرف فروشنده، والا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.»

دکتر اسکینی در کتاب حقوق تجارت «ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته» در صفحه ۱۷۶ می فرماید: «این ماده مورد حق العمل کاری را بیان می کند که مال التجاره را به نام خود و به حساب آمر خریده است و عین مال نزد حق العمل کار (ورشکسته) موجود است. در این مورد دو فرض قابل تصور است: یا حق العمل کار ثمن معامله را به فروشنده پرداخته است یا نپرداخته است. اگر ثمن را نپرداخته باشد فروشنده حق دارد استرداد مال التجاره را بخواهد. در این مورد با آنکه فروشنده حق استرداد عین مال التجاره را ندارد قانونگذار مال را جزء دارایی ظاهر تاجر قرار نمی دهد و می گوید که در چنین صورتی مال التجاره را کسی می تواند در مقابل اداره تصفیه (به نمایندگی طلبکاران) استرداد کند که حق العمل ورشکسته آن را به حساب او خریده است.»

البته بنابر نظر اسکودا، گزینه ۴ صحیح دانسته شده است اما طبق استدلال فوق الذکر گزینه ۲ ارجح می باشد.

۴۸- شرکت سهامی «برنا» منحل شده و مجمع عمومی، مدیران تصفیه را برای تصفیه امور شرکت انتخاب کرده است.

اگر مدیران تصفیه در هنگام انتخاب شدن، نصاب قانونی را اخذ نکرده باشند، کدام مورد صحیح است؟

(۱) اعمال آنان در هر صورت باطل است.

(۲) در صورتی که بازرس شرکت، اعمال مدیران را تأیید کند، در برابر اشخاص ثالث، قابل استناد است.

(۳) انتخاب آنان صحیح است، اما می توان بطلان صورتجلسه را از دادگاه درخواست کرد.

(۴) انتخاب آنان باطل است، اما نمی توان در برابر اشخاص ثالث، به این بطلان استناد کرد.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

با استناد به ماده ۲۷۰ ل.ا.ق.ت.

۴۹- کدام مورد در خصوص مسئولیت تضامنی در حقوق ایران، صحیح است؟

(۱) در امور تجاری، از جمله صادرکنندگان چک به صورت مشترک، مسئولیت تضامنی، ولی در امور مدنی، مسئولیت نسبی است.

(۲) اصل بر مسئولیت نسبی است، مگر آنکه مجوز قانونی یا قراردادی وجود داشته باشد.

(۳) در حقوق مدنی، اصل بر مسئولیت نسبی و در حقوق تجارت، اصل بر مسئولیت تضامنی است.

(۴) پیش بینی مسئولیت تضامنی در روابط قراردادی، در حقوق مدنی منع و در حقوق تجارت تجویز شده است.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

با استناد به مواد ۴۰۲، ۴۰۳ و ۴۰۴ ق.ت. اصل بر عدم تضامن بوده و مسئولیت تضامنی در حقوق ما خلاف اصل می باشد و وجود آن منوط به تصریح و مجوز قانونی یا قراردادی است. از این رو می توان اصل را بر نسبی بودن مسئولیت دانست. این نظر با اصل عدم زیاده و برائت ذمه از بخش مازاد دین نیز سازگار است.

۵۰- در خصوص شرکت موضوع ماده ۲۲۰ قانون تجارت موسوم به شرکت عملی، کدام مورد صحیح است؟

(۱) شرکتی که در قالب های مقرر در قانون تشکیل نشده، لکن به عنوان شرکت به امور تجاری می پردازد.

(۲) شرکتی مدنی با فعالیت تجاری که در هنگام ثبت در مرجع ثبت شرکت ها، قالب های قانونی مربوط به شرکت تجاری را رعایت نکرده است.

(۳) شرکتی تجاری که با استفاده از ساختار یکی از شرکت های هفت گانه ماده ۲۰ قانون تجارت، بدون ثبت به تجارت می پردازد.

(۴) شرکتی سهامی که اقدامات مربوط به تأسیس آن انجام شده، ولی هنوز ثبت نشده و به فعالیت تجاری می پردازد.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

با استناد به ماده ۲۲۰ ق.ت.

۵۱- چنانچه صادرکننده سفته، وجه سند را پیش از سررسید به دارنده تادیه کند، کدام مورد صحیح است؟

(۱) پرداخت معتبر نیست مگر آنکه صادرکننده براساس تغییر شاخص اعلامی بانک مرکزی و به نسبت مدت باقیمانده، از مبلغ کسر نموده باشد.

(۲) عمل وی معتبر است و مسئولیتی ندارد.

(۳) پرداخت معتبر است، ولی صادرکننده در برابر اشخاصی که نسبت به سفته حقی دارند، مسئول است.

(۴) پرداخت غیرمعتبر است و صادرکننده در برابر اشخاصی که نسبت به سفته حقی دارند، مسئول است.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

با استناد به ماده ۳۰۹ ق.ت. که در فرض سوال، ما را به ماده ۲۵۶ ق.ت. ارجاع می دهد.

۵۲- احمد به عنوان دارنده، با ظهرنویسی، چکی رابه علی منتقل و شخصی به نام شاهین به عنوان ضامن احمد، پشت سند را امضا می کند. چنانچه بعداً اثبات گردد که امضای احمد جعل شده، کدام مورد صحیح است؟
(۱) در صورت بی اطلاعی ظهرنویس پیش از احمد و ظهرنویس های بعد از شاهین از جعلی بودن امضای احمد، مسئولیت تضامنی احمد و شاهین باقی است.

(۲) احمد و شاهین، هیچ مسئولیتی نسبت به وجه سند ندارند.

(۳) کلیه اقدامات و ظهرنویسی های پس از ظهرنویسی احمد، فاقد اعتبار است.

(۴) مسئولیت احمد منتفی، لکن ضمانت شاهین از مسئولین قبلی، از جمله صادرکننده، باقی است.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

از جمله مواردی که استثنای اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات و ادعاها در برابر دارنده ی با حسن نیت است آنجاست که امضای یکی از مسئولین سند تجاری جعل شود. در چنین حالتی شخصی که امضایش جعل شده، اراده متعهد شدن در برابر هیچ دارنده ای اعم از مستقیم یا غیر مستقیم ندارد و لذا مسئولیتی نداشته و می تواند در مقابل دارنده فعلی، ایراد جعلیت امضا را مطرح نماید. لذا در فرض سوال، احمد مسئولیتی نسبت به وجه سند چک ندارد. از طرف دیگر چون طبق ماده ۲۴۹ ق.ت.ضامن سند تجاری با مضمون عنده خود مسئولیت تضامنی داشته و در واقع مسئولیت ضامن سند تجاری به تبع مسئولیت مضمون عنده سند و محدود به آن است و در فرض این سوال، احمد مسئولیتی ندارد لذا ضامن وی (شاهین) نیز مسئولیتی نخواهد داشت.

۵۳- چنانچه شخصی که کارمند رسمی سازمان دولتی است، به سمت مدیر شرکت سهامی خاص انتخاب شود، کدام مورد صحیح است؟

(۱) مدیر مزبور قابل عزل و اعتبار اعمال حقوقی او در برابر اشخاص ثالث، منوط به تنفیذ ایشان است.

(۲) مدیر مزبور قابل عزل و کلیه اعمال وی قابل ابطال است.

(۳) انتخاب مدیر یاد شده و اعمال حقوقی او در برابر اشخاص ثالث، باطل است.

(۴) مدیر یاد شده قابل عزل و اعمال حقوقی او در برابر اشخاص ثالث، معتبر است.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

با استناد به اصل ۱۴۱ قانون اساسی، شخصی که کارمند رسمی سازمان دولتی است نمی تواند عضو هیات مدیره شرکت های خصوصی- جز شرکت های تضامنی ادارات و موسسات- گردد. از این رو این مدیر، یکی از شرایط سلبی مدیریت شرکت سهامی را نداشته و با استناد به تبصره ماده ۱۱۱ ل.ا.ق.ت. قابل عزل است؛ اما اعمال حقوقی او در برابر اشخاص ثالث مستند به ماده ۱۳۵ ل.ا.ق.ت. معتبر می باشد.

۵۴- چنانچه صورت های مالی شرکت سهامی عام در مجمع عمومی سالیانه، بر پایه تایید شخص حقیقی عضو جامعه حسابداران رسمی به عنوان بازرس شرکت تصویب شود، چنین مصوبه ای چه اثری دارد؟

(۱) در هیچ یک از وزارتخانه ها، موسسات دولتی، شرکت های دولتی، بانک ها و بیمه ها، موسسات اعتباری غیربانکی، سازمان بورس و اوراق بهادار و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی معتبر نمی باشد و به نفع اشخاص مزبور، قابل استناد نخواهد بود.

(۲) انتخاب شخص مزبور به عنوان بازرس قابل ابطال می باشد ولی مصوبه معتبر است.

(۳) چنانچه بازرس موصوف، شرایط مذکور در ماده ۱۴۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ را دارا باشد، تصویب صورت های مالی معتبر است.

(۴) مصوبه منوط به تنفیذ سازمان حسابرسی است؛ در غیر اینصورت، در هیچ یک از وزارتخانه ها، موسسات دولتی، شرکت های دولتی، بانک ها و بیمه ها، موسسات اعتباری غیربانکی، سازمان بورس و اوراق بهادار و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی معتبر نمی باشد و به نفع اشخاص مزبور، قابل استناد نخواهد بود.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

با استناد به ماده ۳ «آیین نامه لایحه قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی» مصوب ۱۳۷۴.

۵۵- کدام مورد صحیح نیست؟

(۱) شرکت های سهامی خاص، تنها مجاز به انتشار اوراق مشارکت عادی و شرکت های سهامی عام، مجاز به انتشار اوراق مشارکت عادی و قابل تبدیل و تعویض با سهام هستند.

(۲) شرکت های سهامی خاص، سهامی عام و تعاونی تولید، مجاز به انتشار اوراق مشارکت عادی هستند.

(۳) کلیه شرکت های سهامی خاص و سهامی عام و تعاونی تولید، مجاز به انتشار هر نوع اوراق مشارکت هستند.

(۴) اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام با سهام شرکت ناشر و اوراق شرکت قابل تعویض تنها با سهام شرکت های سهامی عام غیربورسی قابل تعویض هستند.

پاسخ: گزینه ۳ و ۴ صحیح است.

با استناد به ماده ۲۸ آیین نامه اجرایی قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت و نیز ماده ۱ قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت.

۵۶- در خصوص ورشکستگی شرکت تضامنی، کدام مورد صحیح است؟

(۱) شرکا به تبع شرکت، ورشکسته و دارای مسئولیت تضامنی می شوند.

(۲) شرکا به تبع شرکت، ورشکسته تلقی می شوند، لکن ورشکستگی مدیران، به تبع شرکت، منوط به تاجر بودن آنان است.

(۳) مدیران و شرکای شرکت دارای مسئولیت تضامنی بوده، لکن به تبع شرکت، ورشکست نمی شوند.

(۴) شرکای شرکت دارای مسئولیت تضامنی بوده، ولی به تبع شرکت، ورشکسته قلمداد نمی شوند.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

با استناد به مواد ۱۱۶، ۱۲۴ و ۱۲۵ ق.ت شرکای شرکت تضامنی دارای مسئولیت تضامنی هستند. اما با استناد به ماده ۱۲۸ ق.ت این شرکا به تبع شرکت، ورشکسته قلمداد نمی شوند. مؤید سخن اخیر، ماده ۴۳۹ ق.ت است. در واقع شخصیت شریک شرکت تضامنی از شخصیت حقوقی شرکت تضامنی مستقل بوده و ورشکستگی یکی ملازمه با ورشکستگی دیگری نخواهد داشت. از سوی دیگر صرف شریک بودن شخصی در شرکت تضامنی، موجب تاجر تلقی شدن او نمی شود تا بتوان گفت در صورت ناتوانی وی از تادیه دیونش ورشکسته قلمداد می شود. البته امکان ورشکستگی شریک شرکت تضامنی همراه با ورشکستگی شرکت وجود دارد؛ آن هم در جایی است که او تاجر بوده و متوقف از تادیه دیونش شده باشد اما تبعیت و ملازمه بین ورشکستگی شرکت تضامنی و شرکای آن وجود ندارد.

۵۷- کدام مورد در خصوص قرارداد ارفاقی، صحیح نیست؟

- (۱) با تاجر ورشکسته به تقصیر هم منعقد می شود.
- (۲) **قرارداد ارفاقی میان تاجر و بستانکاران با تصدیق دادگاه و بدون دخالت ناظر منعقد می شود.**
- (۳) با اکثریت عددی و سرمایه ای بستانکاران تاجر ورشکسته منعقد می شود.
- (۴) با تاجر حقیقی و شرکت تجاری منعقد می شود.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

با استناد به مواد ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸ و ۴۸۷ ق.ت عضو ناظر در بحث قرارداد ارفاقی دخالت دارد. از این رو بخش اخیر گزینه ۲ ناصحیح بوده و همین گزینه پاسخ سوال است. گزینه ۱ با استناد به ماده ۴۸۴ ق.ت و گزینه ۳ با استناد به مواد ۴۸۰ و ۴۸۱ ق.ت و گزینه ۴ با لحاظ ماده ۴۷۹ ق.ت (اطلاق لفظ «تاجر ورشکسته» که شامل تاجر حقیقی و شرکت تجاری می شود) و ماده ۵۰۶ ق.ت صحیح می باشند.

البته در مورد گزینه ۳ نیز ملاحظاتی وجود دارد چون به طور کامل به اکثریت مطالبات (سه چهارم) اشاره شده است.

۵۸- دو نوآوری مهم قانون اصلاح قانون صدور چک سال ۱۳۹۷، کدام است؟

- (۱) **درخواست صدور اجرائیه از دادگاه بی نیاز از صدور حکم- ایجاد چک موردی**
- (۲) مطالبه صرفا اصل وجه بدون حق مطالبه خسارات تاخیر و حق الوکاله- ایجاد چک موردی
- (۳) مطالبه اصل و خسارات تاخیر بدون حکم دادگاه- توقیف حساب های صادرکننده
- (۴) صدور اجرائیه از دادگاه بی نیاز از صدور حکم- کاهش مسئولیت کیفری

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

با استناد به تبصره های ۲ و ۳ ماده ۶ و ماده ۲۱ قانون صدور چک جدید، بحث چک موردی در سال ۱۳۹۷ وارد قانون صدور چک شده است. همچنین با استناد به ماده ۲۳ این قانون، بحث درخواست صدور اجرائیه از دادگاه بی نیاز از صدور حکم به عنوان یک نوآوری دیگر مطرح می گردد.

بخش اول گزینه ۲ نوآوری قانون صدور چک در سال ۱۳۹۷ نبوده و در خصوص روش پیگیری چک از طریق مرجع ثبتی است. از سوی دیگر بخش اول گزینه ۲، مخالف با ماده ۲۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ نیز است. زیرا در این ماده

بحث اخذ مبلغ چک و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی مطرح شده و نه مطالبه خسارت تاخیر تادیه که نیاز به تشریفات دادرسی مستقل دارد. بخش اول گزینه ۳ نیز همین ایراد را دارد. اما بخش دوم آن با استناد به ماده ۵ قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷، یک نوآوری محسوب می شود. بخش اخیر گزینه ۴ هم در قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۳۹۷ به عنوان نوآوری واقع نشده است.

۵۹- کدام مورد در خصوص فروش کالاهای تجاری و اثالت البیت تاجر ورشکسته، صحیح است؟

- (۱) به هیچ عنوان، بدون اجازه تاجر ورشکسته قابل فروش نیست.
- (۲) به وسیله مدیر تصفیه، با اجازه دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی و نظارت ناظر به فروش می رسد.
- (۳) به وسیله مدیر تصفیه و با اجازه دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی، قابل فروش است.
- (۴) از سوی مدیر تصفیه، با اجازه دادستان و نظارت ناظر به فروش می رسد.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

با استناد به ماده ۴۵۷ ق.ت.

۶۰- انحلال شرکت با مسئولیت محدود و شرکت تضامنی، به ترتیب، با کدام حد نصاب ها تصمیم گیری می شود؟

- (۱) دو سوم آرای حاضر در مجمع عمومی فوق العاده- دارندگان سه چهارم سرمایه و اکثریت عددی شرکا
- (۲) اتفاق آرای شرکا- اتفاق آرای شرکا
- (۳) دارندگان اکثریت سرمایه- اتفاق آرای شرکا
- (۴) دارندگان سه چهارم سرمایه و اکثریت عددی شرکا- اتفاق آرای شرکا

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

بخش اول گزینه ۳ با استناد به ماده ۱۱۴ (بند ب) ق.ت و بخش دوم گزینه ۳ با استناد به ماده ۱۳۶ (بند ب) ق.ت توجیه می شود.

اصول استنباط حقوق اسلامی

۶۱- در فرض تزامم دو یا چند حکم، معیار ترجیح کدام است؟

- (۱) تقدم زمان صدور حکم
(۲) تخییر به طور مطلق
(۳) اهمیت حکم
(۴) نزدیک بودن حکم به واقعیت

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

در باب تزامم دو یا چند حکم، مرجحاتی وجود دارند که موجب ترجیح یک حکم بر حکم دیگر می شوند و یکی از این مرجحات، مقدم شدن تکلیف اهم بر مهم است که خود، مصادیقی دارد. این مورد، همان اهمیت حکم است که در گزینه ۳ آمده است. برای شناخت مرجحات باب تزامم به صفحات ۳۴۰ تا ۳۴۲ کتاب اصول فقه موسسه فاضل نمایید.

۶۲- در خصوص دو مفهوم «قیاس اولویت» و «قیاس فقهی - حقوقی (تمثیل)»، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) قیاس اولویت، به دلالت لفظی مربوط می شود ولی قیاس فقهی - حقوقی، به استنباط ظنی یا قطعی با تکیه بر علت حکم باز می گردد.
(۲) این دو مفهوم، دو تعبیر برای یک چیز است که هر دو اعتبار یکسان دارند.
(۳) قیاس اولویت، قیاس منصوص العله است ولی قیاس فقهی - حقوقی، مستنبط العله می باشد.
(۴) در قیاس فقهی - حقوقی، به علت حکم تصریح شده است ولی در قیاس اولویت، علت حکم، ظنی است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

قیاس در یک تقسیم بندی بر سه قسم می باشد: قیاس اولویت، قیاس مساوی یا مساوات یا قیاس اصولی یا تمثیل منطقی و قیاس ادنی. قیاس اولویت حجت است اما قیاس فقهی - حقوقی یا همان تمثیل منطقی یا قیاس مساوی در حالت منصوص العله بودن حجت است. اما اگر مستنبط العله باشد در حالتی که قطعی بوده حجت می باشد. همچنین در حالت ظنی بودن در خصوص قوانینی که از فقه گرفته نشده و جنبه عرفی داشته یا از حقوق کشورهای دیگر اقتباس شده باشد این قیاس ظنی حجت می باشد. قیاس ادنی حجت نیست. از این رو اعتبار یا عدم اعتبار اقسام قیاس یکسان نمی باشد.

در قیاس اولویت، علت حکم فرع از علت حکم اصل، قوی تر و شدیدتر است اما در قیاس فقهی - حقوقی یا تمثیل منطقی، حکم موضوعی به موضوع مشابه آن به دلیل علت مشترک تسری داده می شود که این قیاس می تواند به صورت قطعی یا ظنی باشد.

۶۳- بنا بر اینکه مبنای حجیت خبر واحد، وثوق به صدور روایت از معصوم (ع) باشد، کدام یک از انواع شهرت، جبران کننده ضعف سند خبر واحد است؟

- (۱) فتوایی و عملی
(۲) عملی
(۳) فتوایی
(۴) روایی

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

به عقیده مشهور فقها شهرت عملی می تواند ضعف روایت را از نظر سند جبران کند، بنابراین اگر روایتی در مورد یک حکم شرعی وارد شده باشد و بر اساس موازین مشخص شده از نظر سند ضعیف باشد ولی مشهور فقیهان بر اساس آن فتوا داده و بدان استناد کرده باشند، در این صورت، استناد مشهور به این روایت، ضعف سندی آن را جبران نموده، در نتیجه بر اساس این روایت ضعیف می توان حکم شرعی را استنباط کرد. استدلال مشهور این است که خبر ضعیف هرچند فی نفسه معتبر نیست، اما عمل و استناد مشهور به خبر ضعیف، باعث اطمینان به صدور آن می شود و بدین ترتیب روایت مزبور، مشمول ادله حجیت قرار می گیرد (حسین قافی و دکتر سعید شریعتی، اصول فقه کاربردی، ج ۲، ص ۲۱۱ به نقل از: سبحانی، المحصول فی علم الاصول، ص ۲۰۹).

۶۴- اگر معصوم (ع) عملی را ترک کند، چه چیزی را می توان از رفتار ایشان، استنباط کرد؟

- (۱) عمل، مباح به معنای خاص است.
(۲) عمل، مکروه است.
(۳) عمل، حرام است.
(۴) عمل، واجب نیست.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

ترک یک عمل از سوی معصوم (ع) دلالت بر عدم وجوب آن عمل دارد؛ زیرا شخص معصوم (ع) هیچ گاه مرتکب ترک واجب نمی شود. مثلاً اگر دیده شود که معصوم (ع) در یک نماز قنوت را به جای نیاورد، معلوم می شود انجام قنوت برای نماز، واجب نیست. (حسین قافی و دکتر سعید شریعتی، اصول فقه کاربردی، ج ۲، ص ۹۹)

۶۵- به موجب قراردادی، یکی از دو شریک مال غیر منقول، سهم خود را به ثالث متقل می کند؛ ولی نمی دانیم بیع بوده یا صلح معوض. چنانچه در مجلس عقد، قرارداد مزبور توسط یکی از طرفین فسخ شود، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) استصحاب عقد به طور کلی جاری است.
(۲) قرارداد را باید فسخ شده دانست.
(۳) استصحاب عقد صلح معوض، جاری است.
(۴) استصحاب عقد بیع جاری است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

استصحاب کلی بر سه قسم است که قسم های اول و دوم آن حجت و معتبر می باشد و قسم سوم آن فاقد حجیت است. این سوال از موارد استصحاب کلی قسم دوم است به این بیان که گاهی شک و تردید در بقای کلی ناشی از این امر است که نمی دانیم کلی در ضمن کدام یک از افراد خود تحقق یافته است. آیا کلی در ضمن فردی تحقق یافته که یقیناً از بین رفته است یا در ضمن فردی وجود گرفته که یقیناً هنوز باقی است؟ استصحاب کلی قسم دوم حجت می باشد؛ به این بیان که آثار مشترک تمام افراد، استصحاب می شود نه آثار اختصاصی یک فرد. لذا نمی توان به صورت مشخص، وجود هیچ یک از افراد را استصحاب کرد و طبعاً آثاری که مربوط به شخص معین است ثابت نمی شود. در فرض سوال، وجود عقد به صورت کلی در زمان سابق به عنوان امر متیقن سابق می باشد اما مشخص نیست که این امر کلی در ضمن کدام فرد و مصادقش (بیع یا صلح معوض) تحقق یافته است. حال اگر در مجلس عقد، قرارداد مزبور توسط یکی از طرفین فسخ شود و تردید شود که عنوان کلی عقد هنوز باقی است یا نه (چرا که اگر عقد مزبور بیع باشد یقیناً با اعمال

خیار مجلس فسخ شده است و اگر صلح معوض بوده باشد هنوز عقد باقی است؛ در این حالت عنوان کلی عقد استصحاب شده و آثار مشترک عقد بیع و عقد صلح معوض مترتب می شود نه آثار اختصاصی بیع و صلح معوض.

۶۶- برابر ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی، به منظور حفظ کیان خانواده، ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع، طبق مقررات الزامی است. در خصوص واژه «طلاق»، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) شمول واژه طلاق نسبت به انواع طلاق، مشکوک است و بنابراین بر نوع غالب که طلاق رجعی است، حمل می شود.
- ۲) واژه طلاق، لفظاً عام است و همه افراد و انواع طلاق را در بر می گیرد.
- ۳) **شمول واژه طلاق نسبت به انواع طلاق، از باب اطلاق لفظ «طلاق» است.**
- ۴) واژه «طلاق» فقط دارای اطلاق احوالی است و فقط ناظر به طلاق در حالت های مختلف است.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

واژه «طلاق»، علائم وضعی لفظی عام را نداشته و لفظ مفرد بدون قیدی است که شامل افراد و مصادیق متعدد طلاق (اتلاق افرادی) و انواع و حالات و کیفیات و صفات مختلف طلاق (اتلاق احوالی) و همه زمان ها (اتلاق زمانی) می شود. از این رو واژه «طلاق»، اطلاق دارد. لفظ طلاق (لفظ مطلق) بر حالت نوع غالب و فردی که غلبه وجودی دارد یعنی طلاق رجعی (فردی که انصراف بدوی یا ابتدایی به آن دارد) حمل نمی شود و در واقع شامل انواع بائن و رجعی هر دو می شود. زیرا انصراف بدوی یا ابتدایی، مانع اطلاق لفظ نیست.

۶۷- در کدام یک از موارد زیر، احتیاط لازم است؟

- ۱) علم اجمالی، به علم تفصیلی به تکلیف و شک بدوی تجزیه شود.
- ۲) **بعضی از اطراف علم اجمالی، از ابتلای مکلف خارج شود.**
- ۳) ارتکاب یکی از اطراف علم اجمالی، از باب اضطرار لازم باشد.
- ۴) بعضی از اطراف علم اجمالی، از ابتدا مورد ابتلای مکلف نباشد.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

در حالتی که اطراف علم اجمالی در محل ابتلاء و دسترس مکلف باشد طی شرایطی اصل احتیاط (اشتغال) اعمال می شود. حال اگر برخی اطراف علم اجمالی سپس از ابتلاء و دسترس مکلف خارج شود نسبت به فرد باقیمانده در دسترس، اصل احتیاط هنوز اعمال می شود. اما اگر برخی اطراف علم اجمالی از ابتدا مورد ابتلای مکلف نباشد (مثلاً یک طرف از اطراف علم اجمالی خارج از محل ابتلاء مکلف بوده و طرف دیگر در محل ابتلاء مکلف باشد) اصل احتیاط نسبت به فرد واحدی که در تحت ابتلاء مکلف است اعمال نشده و نسبت به هر دو طرف (در محل ابتلاء و خارج از محل ابتلاء) اصل برائت اعمال می شود.

همچنین در حالت اضطرار نسبت به یکی از اطراف علم اجمالی و نیز در حالت انحلال و تجزیه علم اجمالی به یک علم تفصیلی و یک شک بدوی نسبت به اصل وجود تکلیف، اصل احتیاط اعمال نمی شود. در حالت اضطرار با استناد به ادله احکام ثانویه، ارتکاب عمل مجاز است و در حالت انحلال علم اجمالی به علم تفصیلی و شک بدوی، نسبت به قسمت مورد

علم با استناد به ادله اجتهادی (دلیل قطعی و دلیل ظنی یا اماره) تکلیف وجود دارد و نسبت به قسمت مورد شک بدوی در اصل وجود تکلیف، اصل برائت جریان می یابد.

۶۸- در کدام مورد، تعارض حتی از نوع غیر مستقر آن نیز وجود ندارد؟

- (۱) یکی از دو دلیل، قطعی و یقینی و دیگری ظنی باشد.
 (۲) بین دو دلیل، نسبت عام و خاص برقرار باشد.
 (۳) بین دو دلیل، نسبت مطلق و مقید برقرار باشد.
 (۴) یکی از دو دلیل، حاکم یا وارد بر دلیل دیگر باشد.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

تعارض ادله بین دو دلیل قطعی یا یک دلیل قطعی و یک دلیل غیرقطعی (اعم از دلیل ظنی و اماره یا اصول عملیه) واقع نخواهد شد. در واقع یکی از شرایط تعارض، عدم قطعیت هر دو دلیل می باشد. در حالات بیان شده در گزینه های ۲، ۳ و ۴ تعارض غیر مستقر یا بدوی یا ابتدایی یا ظاهری وجود دارد.

۶۹- در خصوص جمع دلالتی (عرفی) و تبرّعی، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) جمع تبرّعی و عرفی، به یک معنی هستند.
 (۲) جمع تبرّعی، مربوط به احکام غیر الزامی و جمع عرفی، مربوط به احکام الزامی است.
 (۳) کاربرد جمع تبرّعی، در احکام مدنی و کاربرد جمع دلالتی، در احکام کیفری است.
 (۴) جمع عرفی بر خلاف جمع تبرّعی، بر پایه شاهد و قرینه لفظی صورت می گیرد.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

در حالت تعارض غیر مستقر یا بدوی یا ابتدایی یا ظاهری ادله، راهکار حل تعارض، مراجعه به قاعده جمع عرفی (جمع مقبول) می باشد. قاعده جمع عرفی (الجمع مهما أمکن أولى من الطرح) یعنی جمعی که مورد پسند عرف یا مستند به شواهد و قرائن کافی باشد و به تعبیری بر پایه شاهد و قرینه لفظی صورت می گیرد بر خلاف جمع تبرّعی ادله که جمع دلخواهی است که شاهدهی از لفظ بر آن گواهی نمی دهد و معتبر نمی باشد.

۷۰- کدام یک از عبارات های زیر، قابل مفهوم گیری است؟

- (۱) تدلیس در صلح، موجب خیار فسخ است.
 (۲) عقد، محقق می شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.
 (۳) ضامنی که به قصد تبرّع ضمانت کرده باشد، حق رجوع به مضمون عنه ندارد.
 (۴) تفریقی که با لعان حاصل می شود، موجب حرمت ابدی است.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

عبارت گزینه ۲، مفاهیم مخالف شرط و وصف دارد. مفهوم مخالف شرط این عبارت، آن است: عقد به قصد انشاء محقق نمی شود آنجا که مقرون به چیزی که دلالت بر قصد کند نباشد.

مفهوم وصف عبارت گزینه ۲ این است: عقد به قصد اخبار محقق نمی شود. اما لفظ «صلح» در گزینه ۱ مفهوم وصف ندارد. وصف «که به قصد تبرّع ضمانت کرده باشد» در گزینه ۳ مفهوم ندارد. وصف «که با لعان حاصل می شود» در

گزینه ۴ نیز مفهوم ندارد. علت مفهوم نداشتن اوصاف مذکور در گزینه های ۱، ۳ و ۴ آن است که وصف، علت انحصاری حکم (قید حکم) نمی باشد و چنین اوصافی، قید موضوع است و مفهوم ندارد.

۷۱- در کدام مورد، اجمال مخصّص، به عام سرایت نمی کند؟

(۱) در شبهه مفهومیه، در موارد دوران میان متباینین، اگر مخصّص، منفصل باشد.

(۲) در شبهه مفهومیه، اگر مخصّص، منفصل باشد.

(۳) در شبهه مصداقیه، خواه مخصّص، متصل باشد یا منفصل.

(۴) در شبهه مفهومیه، در موارد دوران میان اقل و اکثر، اگر مخصّص، منفصل باشد.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

در بحث اجمال مخصّص، اصولاً اجمال مخصّص به عام سرایت کرده و عام را مجمل می کند و استثنائاً با جمع ۳ شرط (منفصل بودن مخصّص، شبهه مفهومیه مخصّص و اینکه این شبهه در حالت دوران امر بین اقل و اکثر باشد) اجمال مخصّص به عام سرایت نکرده و عام مجمل نمی شود.

۷۲- در کدام یک از موارد زیر، مطلق را باید بر مقید حمل کرد؟

(۱) تدلیس در معامله موجب خیار فسخ است. - تدلیس در صلح، موجب خیار فسخ است.

(۲) تلف کننده مال دیگری، ضامن آن است. - تلف کننده مال دیگری به عمد، به حبس محکوم خواهد شد.

(۳) قتل عمد از موانع ارث است. - اگر قتل عمد به حکم قانون یا برای دفاع باشد، مانع ارث نخواهد بود.

(۴) رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه، موجب نفوذ معامله نیست. - صلح به اکراه، نافذ نیست.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

در گزینه ۳، بین دو عبارت، تنافی مطلق با مقید از نوع غیر همسان (مختلفین) صورت گرفته که مطلق بر مقید حمل می شود. عبارت اول، مطلق بوده و عبارت دوم مقید، است و از باب حمل مطلق بر مقید، عبارت اول به وسیله عبارت دوم محدود و مقید می شود. در گزینه های ۱ و ۳، تنافی مطلق با مقید همسان (متفقین) شکل گرفته و عبارات اول در این دو گزینه، از «معامله» سخن گفته و مطلق هستند و عبارات دوم از «صلح» سخن بیان داشته و مقید هستند اما چون قید «صلح» در این دو عبارت برای نفی و احتراز از سایر معاملات بیان نشده و این قید در این عبارات، مفهوم مخالف ندارد لذا مطلق بر مقید حمل نمی شود و به هر دو عبارت به طور کامل عمل شده و از ظهور هیچ یک از دو عبارت دست نمی کشیم.

در گزینه ۲ هم عبارات مطلق (عبارت اول) و مقید (عبارت دوم)، تنافی ندارند و از این رو مطلق بر مقید حمل نشده و به هر دو عبارت به صورت کامل عمل می شود و از ظهور هیچ یک از دو عبارت دست نمی کشیم.

۷۳- در مقایسه میان «تخیر در واجب تخیری» و «تخیر به عنوان اصل عملی»، کدام مورد صحیح است؟

(۱) اولی، یک حکم واقعی شرعی است، ولی دومی، یک حکم ظاهری عقلی یا شرعی است.

(۲) تخیر در هر دو، صرفاً یک حکم واقعی عقلی یا شرعی است.

(۳) تخیر در هر دو، صرفاً یک حکم ظاهری عقلی یا شرعی است.

(۴) اولی، یک حکم ظاهری عقلی یا شرعی است ولی دومی، یک حکم ظاهری عقلی است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

تفاوت اساسی واجب تخیری (واجب مخیر) با اصل تخیر در این است که وجوب تخیری به استناد دلیل اخص (مانند قرآن یا روایت یا قانون یا قرارداد) بوده و حکمی واقعی است که از سوی شارع در مورد برخی از واجبات بیان شده است؛ اما تخیری که توسط اصول عملیه اثبات می شود فقط حکمی ظاهری است؛ یعنی، در موردی که حکم واقعی مسئله مجهول و مورد شک و تردید است و و شک بین وجوب یا حرمت عملی (دوران امر بین محذورین) وجود دارد و به حکم واقعی عمل دسترسی نیست. برای رفع تحیر و شک مکلف در مقام عمل حکم به تخیر ظاهری او میان انجام عمل و ترک آن می شود. بنابراین، در حقیقت، در تکلیف واقعی تخیری وجود ندارد و حکم واقعی تنها وجوب یا حرمت عمل است. نتیجه اینکه تخیر بین افراد واجب تخیری، حکم واقعی شرعی است و در بین افراد واجب مخیر، هیچ اصلی جاری نیست اما تخیر در مورد اصل عملی تخیر، یک حکم ظاهری عقلی یا شرعی است که مربوط به شک و تردید بین وجوب یا حرمت عملی است.

۷۴- شخصی انبار فرش دیگری را به عمد آتش می زند، در صورتی که یقیناً چند تخته فرش در آن انبار وجود داشته است، ولی اکنون شک داشته باشیم که آیا قبل از وقوع آتش سوزی، فرش های مزبور به انبار دیگری منتقل شده اند یا نه، کدام مورد به کمک استصحاب ثابت می شود؟

(۱) بقای فرش ها تا لحظه آتش سوزی، اتلاف آنها، حکم به ضمان و حبس

(۲) فقط بقای فرش ها تا لحظه آتش سوزی

(۳) بقای فرش ها و عمدی بودن عمل آتش زنده

(۴) بقای فرش ها تا لحظه آتش سوزی، اتلاف آنها و حکم به ضمان

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

زیرا استصحاب، یک اصل عملی است و اصل عملی تنها می تواند اثر شرعی و حقوقی بی واسطه یا با اثر شرعی و حقوقی با واسطه شرعی و حقوقی خود را اثبات نماید. لکن اصل عملی نمی تواند آثار و لازمه عادی مورد خود (بقای فرش ها یعنی اتلاف فرش ها) را ثابت نماید. همچنین اصل عملی نمی تواند اثر شرعی و قانونی ناشی از آثار و لازمه عادی (یعنی ضمان ناشی از اتلاف فرش ها) را نیز ثابت نماید. زیرا وقتی اصل عملی نتواند آثار و لازمه عقلی و عادی مفاد خود را اثبات کند نمی تواند اثر شرعی و قانونی ناشی از آثار و لازمه عقلی و عادی را نیز ثابت نماید. در اصول، این مسأله با عنوان اصل مثبت مطرح شده و بیان گردیده که اصل مثبت حجت نیست. اصل مثبت، هر اصل غیر لفظی است که در صدد اثبات لوازم عقلی و عادی یا آثار شرعی با واسطه عقلی و عادی باشد. پس این اصطلاح به استصحاب، منحصر نیست بلکه در سایر اصول غیر لفظی، مانند برائت، اصل صحت، اصل عدم و ... نیز جاری است.

۷۵- برابر ماده ۳ قانون مجازات اسلامی: «قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می شود.» عبارت «کلیه اشخاص» در این ماده، مصداق کدام مورد زیر است؟

- (۱) اطلاق احوالی
(۲) عامّ مجموعی
(۳) عامّ استغراقی
(۴) عامّ بدلی

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

لفظ «کلیه اشخاص» در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، شامل فرد فرد اشخاص می شود؛ لذا تک تک اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی مرتکب جرم شوند قوانین جزایی ایران در مورد ایشان اجرا می شود.

۷۶- به موجب ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی: «اعمال مجازات های جایگزین حبس، در مورد جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.» کدام مورد در خصوص حکم مذکور در این ماده، صحیح است؟
(۱) از جنس فرمان ارشادی است.

- (۲) یک حکم تکلیفی است که ممکن است مستلزم حکم وضعی هم باشد.
(۳) صرفاً حکم وضعی است و ماده از بیان حکم تکلیفی ساکت است.
(۴) از آنجا که در قالب صیغه نهی نیست، حکم تکلیفی نیست.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

ممنوع بودن در ماده ۳، به عمل اعمال مجازات جایگزین حبس تعلق گرفته است و لذا یک حکم تکلیفی است. «ممنوعیت» در حقوق، یک حکم تکلیفی بوده و معادل حکم «حرمت» در فقه می باشد. حال اگر چنین مجازاتی مورد حکم قاضی دادگاه قرار گیرد از آن جا که این نهی برای ارشاد به مانعیت امری در عمل صادر شده است لذا تخلف از این نهی، موجب فساد بوده و از موجبات نقض حکم صادره می باشد. فساد و بطلان و بلا اثر بودن، جزء احکام وضعی است. یعنی احکامی که وضعیت امور و اشیاء و عقود و ایقاعات را بیان می دارند.

۷۷- دو نسخه متعارض از یک قرارداد، درباره تعهد معینی وجود دارد. یکی از قراردادها دلالت روشنی بر موضوع تعهد دارد، اما شائبه اکراهی بودن آن هم در میان است. قرارداد دیگر، فاقد شائبه اکراهی بودن است، اما دلالت آن بر موضوع تعهد، مبهم می باشد. کدام مورد زیر در خصوص این دو قرارداد، صحیح است؟
(۱) هر دو قرارداد، مرجح جهت صدوری را دارند، ولی یکی از آنها دارای مرجح دلالتی نیز هست.
(۲) هر دو قرارداد، دارای مرجح مضمونی و جهت صدوری یکسان هستند.
(۳) یکی از قراردادها، دارای مرجح مضمونی و دیگری، دارای مرجح سندی است.
(۴) یکی از قراردادها، دارای مرجح جهت صدوری و دیگری، دارای مرجح دلالتی است.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

در این جا تعاریفی از مرجح جهتی و مرجح مضمونی از کتاب اصول فقه کاربردی (ج ۳) نوشته استادان قافی و شریعتی نقل می کنیم:

مرجح جهتی: مرجحاتی که ترجیح دهنده جهت صدور روایت است. منظور از «جهت صدور» تشخیص این امر است که آیا روایت برای بیان حکم واقعی از سوی امام (ع) صادر شده یا به سبب مصالح و جهات مهم تری که مد نظر امام معصوم (ع) بوده، روایت بیان کننده حکمی غیر از حکم واقعی است. برای مثال، امام (ع) به جهت رعایت تقیه و برای حفظ جان خود یا حفظ جان شیعیان و راویان، حکمی خلاف واقع بیان فرموده است. به عقیده شیخ انصاری، «مخالفت عامه» یک مرجح جهتی است؛ زیرا هنگامی که یک روایت مخالف عامه باشد، این احتمال در ذهن تقویت می شود که در صدور روایت مزبور هیچ گونه تقیه در کار نبوده و روایت در صدد بیان حکم واقعی است.

مرجح مضمونی: مرجحاتی که ناظر به مطابقت مضمون روایت با واقع و نزدیک تر بودن به حکم واقعی است، مرجح مضمونی نامیده می شود. مانند ترجیح به «موافقت کتاب»؛ زیرا اگر روایتی موافق کتاب و روایت دیگری مخالف کتاب باشد، موافقت با کتاب این احتمال را در ذهن تقویت می کند که روایت مورد نظر با واقع منطبق تر و به آن نزدیک تر است.

نام دیگر مرجح مضمونی، مرجح دلالی است.

در فرض سوال ۷۷، قرارداد اول که شائبه اکراهی بودن آن در میان است به قیاس با تعریف مرجح جهتی، دارای مرجح جهت صدوری است اما قرارداد دوم که فاقد چنین شائبه ای است اما دلالت آن بر موضوع تعهد مبهم است به قیاس با تعریف مرجح مضمونی، دارای مرجح دلالی است.

۷۸- شخصی می داند مبلغ دو میلیون تومان بدهکار است. ولی نمی داند باید این مبلغ را به «الف» بدهد یا «ب». بنابر حل مسئله با تکیه بر اصول عملی، نوع شبهه و اصل جاری در این مورد، کدام است؟

- ۱) «شبهه میان متباینین - شبهه حکمیه» - اصل تخییر
- ۲) «شبهه میان اقل و اکثر استقلالی - شبهه موضوعیه» - اصل احتیاط
- ۳) «شبهه میان اقل و اکثر استقلالی - شبهه حکمیه» - اصل تخییر
- ۴) «شبهه میان متباینین - شبهه موضوعیه» - اصل احتیاط

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

از آن جا که متعلق تکلیف، مردد بین دو یا چند عمل مشکوک جدا از هم است (تردید در اینکه مدیون مبلغ دو میلیون تومان را به «الف» بپردازد یا به «ب») که هیچ ارتباطی با هم ندارند شبهه میان متباینین واقع شده است. با توجه به اینکه شک در حکم قضیه نبوده و مسلماً حکم وجوب ادای دین وجود دارد و موضوع و مصداق، مورد تردید و شبهه است لذا شبهه موضوعیه (مصداقیه) واقع شده است. در این حالت قاعده اقتضا می کند که اصل احتیاط (اشتغال) اعمال شده و دین به هر دو شخص پرداخت شده یا به نحوی وسیله اسقاط تکلیف نسبت به هر دو شخص اعمال گردد مثلاً مدیون از هر دو براثت ذمه حاصل نماید.

در تردید میان اقل و اکثر، میان اطراف علم اجمالی، رابطه عموم و خصوص وجود دارد و یکی از آنها نسبت به دیگری محدودتر است (حسین قافی و دکتر سعید شریعتی، اصول فقه کاربردی ج ۳، ص ۱۱۷). در این حالت بر تمام اطراف

شک، یک عنوان واحد صدق می کند که در این عنوان واحد، یک قسمت اقل متیقن داریم که با استناد به ادله اجتهادی نسبت به آن تکلیف وجود دارد و یک قسمت اکثر مشکوک داریم که در این قسمت شک بدوی در اصل وجود تکلیف وجود داشته و مجرای اصل برائت است.

۷۹- هرگاه دادرس در خصوص پرونده ای تردید داشته باشد که آیا رسیدگی به آن، در قلمرو صلاحیت قضائی او است یا رسیدگی به آن، ممنوع است و در قلمرو صلاحیت او نیست، این امر، مصداق کدام مورد است؟
 (۱) **دوران امر میان محذورین**
 (۲) شبهه تحریمی ناشی از فقدان نص و لزوم احتیاط
 (۳) شک در مکلف به و اجرای اصل برائت
 (۴) دوران امر میان متباینین و لزوم احتیاط

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

از آنجا که فرض سوال شبهه در این است که آیا رسیدگی به پرونده در حالت بیان شده در سوال، الزامی و واجب است یا ممنوع و حرام می باشد، لذا تردید بین وجوب یا حرمت رخ داده با علم اجمالی به وجود یکی از این دو حکم. چنین شبهه ای را دوران امر بین محذورین گفته و ۲ راه حل برای آن بیان شده است: ۱- اصل عملی تخییر ۲- تخییر عقلی و تکوینی و عدم اجرای هیچ اصلی. هر دو راه حل صحیح است اما راه حل دوم، صحیح تر است.

۸۰- در خصوص «اصاله البرائت» و «اصاله الاباحه»، کدام مورد صحیح است؟
 (۱) هر دو، بیانگر حکم ظاهری هستند.
 (۲) اولی، در شبهات تحریمی و وجوبی و دومی، در شبهات وجوبی جاری می شود.
 (۳) **اولی، مفید حکم ظاهری و دومی، بیانگر حکم واقعی است.**
 (۴) هر دو، در شبهات تحریمی و وجوبی جاری می شوند.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

اصل برائت از جمله اصول عملیه بوده و اصول عملیه، موجب حکم ظاهری می شوند در حالی که اصاله الاباحه جزء اصول عملیه نبوده و موجب حکم واقعی می گردد.

حقوق جزای عمومی و اختصاصی

۸۱- یک ایرانی، در خارج از کشور، مرتکب جرمی شده و پیش از تعقیب و محاکمه در آنجا، در ایران یافت شده و تحت تعقیب قرار گرفته است. در جریان رسیدگی، قانون محل وقوع جرم نسخ شده است. کدام مورد درباره ادامه رسیدگی به اتهام وی، صحیح است؟

- (۱) رسیدگی موقوف می گردد.
- (۲) اگر اتهام تعزیری باشد، رسیدگی موقوف می گردد، وگرنه ادامه می یابد.
- (۳) بسته به مورد، قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر می شود.
- (۴) رسیدگی در هر حال ادامه می یابد.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

ماده ۷ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲

اعمال صلاحیت شخصی فعال منوط به جرم بودن رفتار در قوانین ایران است نه هر دو کشور. نسخ عنوان مجرمانه به موجب قانون کشور خارجی دارای اثر قانونی نیست. لکن اگر این نسخ به موجب قوانین ایران صورت می گرفت، دیگر قوانین جزایی ایران صلاحیت محاکمه متهم را نداشتند. فلذا در فرض سوال رسیدگی وفق قوانین ایران ادامه می یابد.

۸۲- کدام مورد در خصوص مجازات شروع به قاچاق ارز، علاوه بر ضبط ارز، صحیح است؟

- (۱) اگر ارزش قاچاق ده میلیارد ریال یا کمتر باشد، جزای نقدی درجه پنج و چنانچه بیشتر باشد، جزای نقدی درجه چهار
- (۲) حبس تعزیری و جزای نقدی درجه پنج
- (۳) حداقل مجازات مقرر برای اصل عمل قاچاق
- (۴) اگر ارزش قاچاق ده میلیارد ریال یا کمتر باشد، حبس درجه پنج و چنانچه بیشتر باشد، حبس درجه چهار

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

ماده ۶۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲. مجازات شروع به قاچاق ارز حسب مورد موجب حداقل مجازات قانونی است.

۸۳- کارمند شرکت در جلسه مجمع عمومی، اعضای هیئت مدیره را مجموعه ای دزد و بی شرافت خطاب کرده است.

کدام مورد در خصوص وصف جزایی رفتار وی، صحیح است؟

- (۱) از نظر عنوان متعدّد و از حیث نتیجه مجرمانه، مشمول مقررات تعدّد مادی است.
- (۲) از نظر عنوان و نتیجه مجرمانه، جرم واحد است.
- (۳) از نظر عنوان، متعدّد و از حیث نتیجه، جرم واحد است.
- (۴) از نظر عنوان، جرم واحد و از حیث نتیجه، مشمول مقررات تعدّد مادی است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

تبصره ماده ۳۴ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲. فرض سوال مشمول تعدد عناوین و تعدد نتیجه (تعدد مادی) است. در خصوص این سوال باید دانست که استفاده از لفظ «دزد» و «بی شرافت» به ترتیب موجد عناوین متعدده افترا و توهین است. همچنین بدلیل تعدد بودن بزه دیدگان (اعضای هیات مدیره)، تعدد نتیجه حاصل می شود که این امر مصداق تعدد مادی جرم است.

۸۴- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، مجازات الزامی کدام یک از مرتکبان زیر است؟

- (۱) پسر چهارده ساله مرتکب جرم حدی
(۲) دختر سیزده ساله مرتکب جرم تعزیری درجه چهار
(۳) دختر ده ساله مرتکب جرم مستوجب قصاص
(۴) پسر شانزده ساله مرتکب جرم تعزیری درجه پنج

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

ذیل تبصره ۱ ماده ۸۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲.

در خصوص افراد ۱۲ تا ۱۵ ساله که مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۵ شده باشند، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت ۳ ماه تا یکسال الزامی است. گزینه ۴ صحیح نیست؛ زیرا برای ارتکاب جرایم تعزیری ارتكابی توسط افراد بالای ۱۵ تا ۱۸ سال، ماده ۸۹ حاکم است. در این ماده نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، فقط در درجات ۱ تا ۴ الزامی است (توجه به بند الف و ب ماده ۸۹). در واقع در خصوص جرم تعزیری درجه ۵ ارتكابی توسط فرد ۱۵ تا ۱۸ ساله، دادگاه بین حکم به نگهداری در کانون یا جزای نقدی یا انجام خدمات عمومی رایگان مخیر است و الزامی به حکم به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت وجود ندارد.

۸۵- تعدد جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر، مشمول کدام یک از مقررات زیر است؟

- (۱) در خصوص جرایم موضوع ماده چهار، قانون مجازات اسلامی و در خصوص جرایم موضوع ماده هشت، قانون مبارزه با مواد مخدر
(۲) مقررات عمومی قانون مجازات اسلامی
(۳) مقررات خاص قانون مبارزه با مواد مخدر
(۴) در خصوص جرایم موضوع ماده هشت، قانون مجازات اسلامی و در خصوص جرایم موضوع ماده چهار، قانون مبارزه با مواد مخدر

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

رای وحدت رویه شماره ۷۳۸ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۰/۱۰/۹۳.

تعدد جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر تابع عمومات قانون مجازات اسلامی است. دلیل این موضوع، سکوت قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص تعدد جرم است. فلذا محاکم قضائی در فرض تعدد جرایم مواد مخدر، از عمومات قانون مجازات اسلامی استفاده می کنند.

۸۶- شخصی در جلسه سخنرانی رسمی یکی از وزرا، به قصد حمایت از منافع ملی، او را به تزییع اموال عمومی متهم می کند. کدام مورد درباره عنوان اتهامی او، صحیح است؟

- (۱) افترای مشمول جرایم عمومی
(۲) نشر اکاذیب مشمول جرایم عمومی
(۳) نشر اکاذیب مشمول جرایم سیاسی
(۴) **افترای مشمول جرایم سیاسی**

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

مستند به مواد ۱ و ۲ قانون تعریف جرایم سیاسی مصوب ۱۳۹۵.

اگر بتوان قصد مرتکب دایر بر حفظ منافع ملی را از مصادیق انگیزه اصلاح امور کشور دانست- که به عقیده نگارنده غیر از این نیست- جرم مذکور در صورت سوال **افترا از نوع سیاسی** است. افترا بودن این جرم به این دلیل است که رفتاری مجرمانه (تزییع اموال عمومی) به یک مقام دولتی نسبت داده شده است.

۸۷- شخصی، اهالی منطقه را به قصد برهم زدن امنیت کشور، به جنگ و کشتار تحریک کرده است. وصف عمل مجرمانه وی چیست؟

(۱) **جرم مستقل و مطلق است.**

- (۲) سردستگی است، خواه تحریک مؤثر واقع شود، خواه نشود.
(۳) معاونت است، اگر تحریک مؤثر واقع شود.
(۴) جرم مستقل و مقید به نتیجه است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

ماده ۵۱۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات و مجازات های بازدارنده). این رفتار **مصدق جرمی مستقل و مطلق** است. تحریک مردم به کشتار و قتل و غارت، فارغ از اینکه موجب تحقق نتیجه بشود یا نشود، جرم است. فلذا این جرم، جرمی مطلق است.

۸۸- «الف» مال متعلق به «ب» را فروخته است. «ب» با علم به موضوع، مالکیت خود را در فرجه قانونی به خریدار اطلاع نداده و پس از انقضای فرجه مذکور، علیه او طرح دعوا کرده است. کدام مورد درباره وصف رفتار «ب»، صحیح است؟

- (۱) وصف جزایی ندارد.
(۲) معاونت در تحصیل مال از طریق نامشروع
(۳) **معاونت در کلاهبرداری**
(۴) مشارکت در کلاهبرداری

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

مستند به ذیل ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸. به موجب این ماده مالکی که از وقوع جرم انتقال مال خویش توسط دیگری، آگاه شده و ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع، اقدام قانونی انجام ندهد، **معاون جرم** محسوب شده و اقدامات بعدی او جهت طرح دعوی و پیگیری، نمی تواند رافع عنوان مجرمانه ی تحقق یافته باشد. عنوان مجرمانه این رفتار عبارت است از معاونت در انتقال مال غیر که با تسامح می توان گزینه ۳ (یعنی معاونت در کلاهبرداری) را گزینه مناسب دانست.

۸۹- مأمورانی که با علم به ارتکاب قاچاق، از تعقیب مرتکبان خودداری می کنند، چه عنوانی دارند؟
(۱) عمل، عنوان مجرمانه ندارد و مرتکب، تخلف انتظامی کرده است.

(۲) در حکم مختلس

- (۳) مساعدت در فرار مجرمین
(۴) معاون در ارتکاب جرم قاچاق

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

مستند به تبصره ۱ ماده ۳۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز این رفتار را در حکم اختلاس دانسته است.

۹۰- مغازه داری با حيله و تقلب و با تخلف از ضوابط دولتی، کالاهایی را که برای توزیع به وی سپرده شده، به قیمتی بیش از قیمت مصوب فروخته است. عنوان اتهامی عمل وی چیست؟

- (۱) تحصیل مال از طریق نامشروع**
(۲) تخلف صنفی
(۳) خیانت در امانت
(۴) در حکم کلاهبرداری

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

به موجب ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ افرادی که با تقلب و حيله در توزیع کالاهایی که مقرر بود طبق ضوابطی توزیع نمایند مرتکب تقلب گردند، به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع قابل تعقیب هستند.

۹۱- جرم پولشویی شخصی با توجه به اصل ارزش مال و عواید ناشی از آن، به مبلغ بیست میلیارد ریال محرز شده است. مجازات محکوم، کدام یک از موارد زیر است؟

- (۱) مصادره مبلغ پولشویی - جزای نقدی معادل مبلغ پولشویی و حبس تعزیری درجه پنج
(۲) مصادره مبلغ پولشویی و جزای نقدی معادل یک چهارم آن
(۳) مصادره اموال معادل مبلغ پولشویی و حبس تعزیری درجه پنج
(۴) مصادره مبلغ پولشویی - جزای نقدی معادل میزان پولشویی و حبس تعزیری درجه چهار

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

مستند به ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷. مجازات پولشویی عبارت است از مصادره اصل درآمد و عواید حاصل از جرم، و حبس تعزیری درجه ۵ در مواردی که مبلغ جرم تا ده میلیارد ریال باشد و حبس تعزیری درجه ۴ اگر مبلغ جرم بیش از مبلغ ده میلیارد ریال باشد.

۹۲- «الف» به موجب سند عادی، منافع ملک ثبت شده خود را برای مدت دو سال به دیگری تملیک کرده و متعاقباً طی سند رسمی، منافع همان ملک را در همان مدت، به شخص ثالثی واگذار و وجوهی از او دریافت کرده است. کدام مورد در خصوص وصف قانونی عمل وی، صحیح است؟

- (۱) وصف کیفری ندارد
(۲) انتقال مال غیر
(۳) معامله معارض
(۴) تحصیل مال از طریق نامشروع

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

نظر به ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک و توجهها به قانون راجع به مجازات انتقال مال غیر و مدلول رای وحدت رویه شماره ۴۳ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۵۱/۸/۱۰. ملک موصوف، ملکی ثبت شده است که تحقق عنوان مجرمانه معامله معارض در خصوص آن، مستلزم رسمی بودن سند مربوط به معامله اول و دوم است که در فرض سوال معامله اول در قالب سند عادی بوده است. در نتیجه وفق رای وحدت رویه فوق الذکر، معامله معارض محقق نیست. با این تفاسیر می توان رفتار صورت گرفته را انتقال مال غیر دانست. دلیل این اعتقاد عبارت است از اینکه به محض وقوع معامله اول - بدلیل اصل رضایی بودن عقود - مالکیت ملک به خریدار منتقل شده و معامله دوم عملاً مفید عنوان مجرمانه انتقال مال متعلق به دیگری است. لازم بذکر است براساس ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر این جرم هم نسبت به عین مال و هم نسبت به منافع مال قابل تحقق است.

۹۳- «الف» به قصد قتل، به سمت «ب» شلیک کرده، ولی به واسطه بُعد مسافت، گلوله به هدف اصابت نکرده است. «ب» گذشت کرده است. کدام مورد در خصوص مجازات «الف»، صحیح است؟

- (۱) در حکم شروع به جرم است؛ حبس تعزیری درجه چهار
(۲) جرم محال است و غیر قابل مجازات
(۳) شروع به جرم است؛ حبس تعزیری درجه چهار
(۴) در حکم شروع به جرم است؛ حبس تعزیری درجه پنج

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

۹۴- کدام مورد در خصوص انتقال مال با انگیزه فرار از دین، صحیح است؟
(۱) چنانچه پس از طرح دعوی در مراجع قضائی با تقاضای صدور اجرائیه ثبتی صورت گرفته باشد، جرم است.
(۲) اگر دین، موضوع سند لازم الاجرا باشد، جرم است.
(۳) اگر دین، محکوم به حکم قطعی باشد، جرم است.
(۴) چنانچه بعد از صدور حکم بدوی صورت گرفته باشد، جرم است.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

رای وحدت رویه شماره ۷۷۴ دیوان عالی کشور مورخ ۹۸/۱/۲۰ جرم معامله به قصد فرار از ادای دین را مشروط به وجود حکم قطعی دایر بر اعلام دین (قبل از انجام معامله) دانسته است.

۹۵- در جرم مساعدت برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت، کدام یک از موارد زیر، جزو معاذیر قانونی تخفیف دهنده مجازات است؟

(۱) نسبت به مجرم اصلی، حکم برائت صادر شود.

(۲) مرتکب، یقین به بی گناهی متهم داشته باشد.

(۳) مرتکب، از اقارب درجه اول متهم باشد.

(۴) مجازات مجرم اصلی، تعزیر درجه هشت یا پنج باشد.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

تبصره ماده ۵۵۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات و مجازات های بازدارنده). اقارب درجه اول مستحق تخفیف مجازات هستند (عذر مخففه قانونی). لازم به ذکر است یقین به بی گناه بودن شخص فراری عذر قانونی معاف کننده از مجازات مربوط به ماده ۵۵۳ قانون است و این عذر باعث تخفیف یا معافیت نسبت به مرتکبین ماده ۵۵۴ نمی شود.

۹۶- شخصی، عضو یک گروه مجازی خصوصی است و اعضای گروه را به پیوستن به یک سایت مروج محتویات مستهجن ترغیب می کند. وصف رفتار مجرمانه وی چیست؟

(۱) جرم رایانه ای علیه عفت و اخلاق عمومی

(۲) چنانچه ترغیب به پیوستن به سایت های مستهجن را حرفه خود قرار داده باشد، افساد فی الارض

(۳) صرفاً اگر ترغیب مؤثر باشد، معاونت در جرم رایانه ای علیه عفت و اخلاق عمومی

(۴) با توجه به خصوصی بودن گروه، وصف جزایی ندارد.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

شخصی که از طریق سامانه های رایانه ای به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آنها را ترغیب کند، بدلیل جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی رایانه ای، به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم می شود. بند ب ماده ۱۵ قانون مجازات جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸. لازم بذکر است خصوصی یا عمومی بودن صفحه مجازی از اهمیت برخوردار نیست.

۹۷- «الف» با علم به مجازات زناى به عنف، «ب» را اکراه کرده تا بر خلاف واقع به ارتکاب چنین جرمی اقرار کند. «ب» در اجرای حکم مستند به اقرار، اعدام شده است. کدام مورد در خصوص مسئولیت ناشی از این واقعه، صحیح است؟

(۱) «الف» به حبس ابد محکوم می شود و دیه «ب»، از بیت المال پرداخت می شود.

(۲) «الف»، مسئول قتل عمد «ب» است.

۳) «الف»، مسئول قتل شبه عمد «ب» است.

۴) اشتباه قضائی است و دیه شخص، از بیت المال پرداخت می شود.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

اگرچه کننده در عمل، مسبب قتل محسوب میشود. همچنین بدلیل علم او به مجازات قانونی زنای به عنف (یعنی اعدام) عنصر روانی جهت تحقق جنایت عمد محرز است. در فرض سوال دادگاه بر مبنای اقرار موجود در پرونده رای را صادر کرده و نمی توان تقصیر مرجع قضایی را سبب کافی و موثر دانست.

۹۸- «الف» با هماهنگی با «ب»، به قصد برداشتن عضوی از اعضای بدن «ج»، او را با خدعه و نیرنگ به داخل کشور آورده و «ب» او را تحویل گرفته است. وصف جزایی عمل «الف» و «ب» چیست؟

۱) هر دو، مباشرت در قاچاق انسان

۲) «الف»، شروع به جنایت بر عضو و «ب»، عبور دادن غیر مجاز از مرز

۳) «الف»، معاونت در قاچاق انسان و «ب»، مباشرت در آن

۴) «الف»، شروع به جنایت بر عضو و «ب»، معاونت در آن

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان

۹۹- کارمند یک موسسه، مرتکب جرم رایانه ای شده است. در کدام فرض، موسسه دارای مسئولیت کیفری است؟

۱) اگر مرتکب نفع شخصی نداشته باشد.

۲) صرفاً اگر در راستای منافع موسسه مرتکب شده باشد.

۳) اگر در اثر عدم نظارت مدیر، مرتکب شده باشد.

۴) صرفاً اگر به نام موسسه مرتکب شده باشد.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

بند ج ماده ۱۹ قانون مجازات جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸. در صورتی که رفتار صورت گرفته بدلیل تخلف مدیر موسسه در جهت اعمال نظارت باشد، مسئولیت کیفری شخص حقوقی محقق است.

البته ارتکاب جرم رایانه ای توسط کارمند شخص حقوقی، در وهله اول در صورتی که به نام و در راستای منافع شخص حقوقی باشد موجب تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی است، فلذا صرف اینکه جرم به نام شخص حقوقی ارتکاب یافته یا اینکه صرفاً در راستای منافع شخص حقوقی باشد، کافی برای تحقق مسئولیت جزایی شخص حقوقی نیست.

۱۰۰- کدام یک از جرایم زیر، قابل تعلیق است؟

۱) معاونت در قتل عمد

۲) صدور چک با علم به مسدود بودن حساب

۳) حمله به آمران به معروف و ناهیان از منکر

۴) جعل اسناد رسمی

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

از آمران به معروف و ناهیان از منکر مفهوم مخالف ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۷ قانون حمایت مصوب ۱۳۹۴ و ماده ۱۰ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۸۲.
از بین موارد مذکور در سوال، مجازات جرم جعل می تواند قابل تعلیق باشد.

این سوال دقیقاً در آزمون کارآموزی کانون وکلای کرمانشاه (سال ۹۶) مطرح شده بود. در سوال ۸۹ آن آزمون در خصوص قابل تعلیق بودن جرم «صدور چک از حساب مسدود» سوال طرح شده و این جرم قابل تعلیق دانسته شده بود ولی در آزمون امسال غیرقابل تعلیق دانسته شده هرچند براساس ماده ۱۰ قانون صدور چک، این جرم غیرقابل تعلیق بیان شده است.

بنظر می رسد رویه نادرست طراحی سوال باید باعث حذف این سوال شود.

آیین دادرسی کیفری

۱۰۱- در جرایم فاقد جنبه الهی، دادگاه تحت کدام یک از شرایط زیر، مبادرت به صدور حکم غیابی می کند؟
(۱) هرگاه متهم یا وکیل او، صرفاً در جرایم مذکور در ماده ۳۵۲ ق.آ.د.ک در هیچ یک از جلسات دادگاه یا دادسرا حضور پیدا نکرده باشد.

(۲) چنانچه متهم در جلسه دادگاه حاضر نشده باشد، هرچند وکیل او حضور داشته باشد.

(۳) در صورتی که متهم در جلسه دادگاه حاضر نباشد، هرچند وکیل او لایحه دفاعیه داده باشد.

(۴) هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشند.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

محاکمه غیابی در جرایمی که دارای جنبه حق الناسی باشند، امکان پذیر است. در قانون آیین دادرسی کیفری، در صورتی که متهم و یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه (نه دادسرا) حاضر نبوده و لایحه دفاعیه هم نداده باشند، حکم صادره غیابی محسوب می شود. ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک

۱۰۲- در کدام فرض، در مورد متهمی که قبلاً در خصوص اتهام وی به دلیل عدم کفایت ادله، قرار منع تعقیب صادر و در دادگاه قطعی شده است، امکان تعقیب مجدد برای همان اتهام وجود دارد؟

(۱) کشف دلیل جدید- موافقت دادگاه

(۲) کشف دلیل جدید- درخواست دادستان- اجازه دادگاه

(۳) کشف دلیل جدید- درخواست شاکی- اجازه دادستان

(۴) کشف دلیل جدید- موافقت دادستان

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

مستند به ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک

قاعدۀ اولیه این است که قرار منع تعقیب در صورت قطعیت، دارای اعتبار امر مختوم است و در نتیجه تعقیب مجدد متهم برای همان رفتار، اصولاً ممنوع است. با این حال اگر قرار منع تعقیب به سبب فقدان یا عدم کفایت دلیل صادر شده باشد، تنها با جمع شرایط ذیل فقط برای یکبار قابل تعقیب مجدد است:

(الف) با کشف دلایل جدید

(ب) به تشخیص دادستان؛ البته اگر قرار منع تعقیب در دادگاه به قطعیت رسیده باشد، این درخواست دادستان باید به تایید دادگاه برسد.

۱۰۳- در جرایم غیر قابل گذشت، در فرضی که پس از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال پرونده به دادگاه، شاکی رضایت قطعی خود را اعلام کند، کدام مورد صحیح است؟

(۱) در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس، کیفرخواست جدید صادر می کند.

(۲) صرفاً چنانچه امکان تعلیق تعقیب باشد، دادستان باید از کیفرخواست عدول کند.

(۳) پس از اعلام رضایت شاکی، دادستان مکلف به عدول از کیفرخواست و صدور کیفرخواست جدید است.

(۴) در هر حال، امکان عدول از کیفرخواست وجود ندارد و دادگاه می تواند رضایت را به عنوان کیفیت مخففه در نظر گیرد.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

مستند به ماده ۲۸۳ ق.آ.د.ک

گذشت شاکی یا مدعی خصوصی بعد از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال آن به دادگاه به ترتیب موجب ایجاد این آثار است:

الف) اگر جرم قابل گذشت باشد، دادستان باید از کیفرخواست عدول کند و بازپرس قرار موقوفی صادر می نماید.

ب) اگر جرم تعزیری غیر قابل گذشت بوده و شرایط تعلیق تعقیب وجود داشته باشد (یعنی درجات ۶ تا ۸ و جمع سایر شرایط) دادستان مخیر است که از کیفرخواست عدول کرده و عندالاقضا قرار تعلیق تعقیب صادر کند.

ج) اگر جرم از مواردی باشد که با گذشت شاکی خصوصی، نوع مجازات تغییر می کند، دادستان مکلف است که از کیفرخواست عدول کرده و بر مبنای عنوان جدید، کیفرخواست مجدد صادر کند؛ مثل گذشت صاحب مال مسروقه تا قبل از اثبات جرم و یا گذشت ولی دم یا مجنی علیه از قصاص جانی که هر دو موجب تغییر عنوان کیفر از حد یا قصاص به تعزیر می شوند.

۱۰۴- مرجع صالح برای رسیدگی به اعتراض متهم و کفیل در خصوص دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه التزام و وجه الكفاله، کدام دادگاه است؟

(۱) تجدیدنظر استان

(۲) کیفری یک

(۳) کیفری دو

(۴) کیفری صالح برای رسیدگی به اتهام

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

مرجع اعتراض به دستور دادستان دایر بر ضبط وثیقه یا اخذ وجه الكفاله یا وجه التزام، دادگاه کیفری دو است. ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک

۱۰۵- اعلام جرم از سوی سازمان های مردم نهاد دارای مجوز، در کدام فرض پذیرفته می شود؟

(۱) در هر جرمی که نسبت به موضوع مورد حمایت مندرج در اساسنامه آنان ارتکاب یافته و اسامی این سازمان ها توسط مراجع رسمی اعلام شده باشد.

(۲) در جرم قابل گذشت که دارای بزه دیده خاص است، هرچند بدون رضایت وی باشد.

(۳) در جرمی که نسبت به موضوع مورد حمایت آنان ارتکاب یافته، هرچند در اساسنامه آنها درج نشده باشد.

(۴) فقط در جرایم غیر قابل گذشت که نسبت به موضوع مورد حمایت آنان ارتکاب یافته و اسامی این سازمان ها توسط مراجع رسمی اعلام شده باشد.

پاسخ: گزینه ۱

این سوال ایراد دارد!!

مستند به مواد ۶۵ و ۶۶ ق.آ.د.ک

در خصوص این سوال گروهی عقیده دارند که نظر به عموم و اطلاق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، سازمان های مردم نهاد در خصوص تمام جرایم مرتبط با موضوع اساس نامه خود (اعم از قابل گذشت و غیرقابل گذشت) می توانند اعلام جرم نمایند. در قالب عمل به این دیدگاه، لازم است که در خصوص جرایم قابل گذشت، رضایت بزه دیده برای اعلام جرم اخذ شود. با این دیدگاه گزینه ۱ میتواند پاسخ مدنظر اسکودا باشد. دیدگاه اخیر طرفداران زیادی داشته و احدی از اساتیدی که در تهیه پیش نویس قانون آیین دادرسی کیفری نقش موثری داشته اند این دیدگاه را با تسامح و اندکی شبهه، تایید کرده اند.

لکن نباید از این نکته غافل بود که "اعلام جرم" مقوله ای است که شرط اولیه آن غیرقابل گذشت بودن جرم است. در واقع اگر جرمی قابل گذشت باشد، تنها نیرویی که توان آغاز تعقیب جزایی مرتکب را دارد، فقط شکایت شخص بزه دیده یا نماینده اوست (توجه به ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز شرط اولیه برای اعلام جرم را، غیرقابل گذشت بودن جرم دانسته است و با استفاده از وحدت ملاک این ماده، به درستی باید قائل بر این شد که اعلام جرم در تمام اشکال آن (توسط مقامات رسمی، توسط ضابطان، توسط اشخاص موثقی که ناظر وقوع جرم بوده اند و همچنین توسط سازمان های مردم نهاد) فقط در جرایم غیرقابل گذشت موثر بوده، در نتیجه دادستان وظیفه ای برای تعقیب جرم قابل گذشتی که مورد شکایت شاکی خصوصی قرار نگرفته، نخواهد داشت. با این تفاسیر گزینه ۴ گزینه ای است که از جهت علمی و آکادمیک صحیح تر بوده و به عقیده نگارنده لازم است که اسکودا در این خصوص تعیین نماید که آیا اطلاق ظاهری ماده ۶۵ را ملاک طرح سوال دانسته یا اینکه مقتضیات اولیه آیین دادرسی کیفری از جهت رعایت قواعد اولیه اعلام جرم و شکایت را مدنظر قرار داده است.

۱۰۶- در مورد متهم، قرار تعلیق صادر شده و متهم مجدداً در مدت تعلیق، مرتکب جرم تعزیری درجه هفت می شود.

در کدام یک از فروض زیر، قرار مزبور لغو می شود؟

(۱) به محض صدور قرار نهایی از دادسرا در مورد اتهام جدید

(۲) صدور کیفرخواست در مورد اتهام جدید

(۳) صدور قرار تأمین کیفری در مورد اتهام جدید

(۴) به محض شروع به تعقیب کیفری در مورد اتهام جدید

پاسخ: گزینه ۲

این سوال ایراد دارد!!

مطابق تبصره ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، شخصی که در ایام آزمایشی تعلیق تعقیب مرتکب یکی از جرایم مذکور در همین تبصره شود، قرار تعلیق تعقیب او لغو می شود. ارتکاب جرم تعزیری درجه ۷ نیز از مواردی است که موجب لغو این قرار است. با این تفاسیر نظر اکثر اساتید دایر بر صحت گزینه ۲ می باشد. لکن موضوع قابل توجه این است که وفق ماده ۳۴۰ همین قانون، جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شوند و در خصوص این جرایم، صدور کیفرخواست اصولاً متفی است. با این توضیحات صحت گزینه ۲ برای نگارنده محل تردید است.

اگر بخواهیم در خصوص پرونده هایی که به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شوند، اقدام قضایی مشابه صدور کیفرخواست را تشخیص داده و با استفاده از قیاس، به پاسخ صحیح برسیم، شاید بتوان صدور قرار رسیدگی توسط دادگاه کیفری یک را به عنوان عاملی که می تواند موجب لغو قرار تعلیق تعقیب باشد، شناسایی کرد؛ لکن ناگفته پیداست جرم تعزیری درجه ۷ بدلیل خروج از صلاحیت دادگاه کیفری یک، نمی تواند موضوع قرار رسیدگی قرار بگیرد. طرح ادعای شفاهی دادستان نیز اقدامی در حکم صدور کیفرخواست است. واضح است که هیچ کدام ازین دو مورد در گزینه ها وجود ندارد. ولی "شروع به تعقیب" و یا "اخذ تامين کیفری" در گزینه های سه و چهار مورد اشاره قرار گرفته اند. در حالی که هیچ یک از این دو مورد را نمی توان اقدامی مشابه و به مثابه صدور کیفرخواست دانست.

با این توضیحات، معتقد هستیم که طراح محترم سوال اگر بدون لحاظ ماده ۳۴۰ آ.د.ک مبادرت به طرح سوال نموده است که بالطبع گزینه ۲ را به عنوان گزینه صحیح اعلام خواهند نمود، ولی اگر با لحاظ آن ماده طرح سوال نموده باشند (که احتمالاً چنین باشد) سوال غلط خواهد بود و بهترین راه حل، ایجاد تاثیر مثبت برای گزینه دوم و حذف نمره منفی برای سایر گزینه هاست.

۱۰۷- طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. این حکم، متضمن کدام یک از اصول جزایی زیر است؟

- (۱) «قانونی بودن جرم و مجازات» و «شخصی بودن مسئولیت کیفری»
- (۲) «قانونی بودن دادرسی» و «قانونی بودن جرم»
- (۳) «فردی کردن کیفر» و «شخصی بودن مجازات»
- (۴) «قانونی بودن مجازات» و «قانونی بودن دادرسی»

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

مستند به اصل ۳۶ قانون اساسی ج.ا.ا.

۱۰۸- چنانچه پس از صدور حکم و در مرحله اجرای احکام، شاهدهی که شهادت شرعی وی موجب محکومیت محکوم علیه شده است، از شهادت خود رجوع کند، قاضی اجرای احکام و دادستان به ترتیب با کدام تکلیف زیر مواجه هستند؟

- (۱) تقاضای اعاده دادرسی - پیگیری موضوع در دیوان عالی کشور
- (۲) اعلام مراتب به دادگاه صادر کننده حکم قطعی - تقاضای اعاده دادرسی پس از موافقت دادگاه
- (۳) اعلام مراتب به دادستان - تقاضای اعاده دادرسی پس از موافقت دادگاه
- (۴) **اعلام مراتب به دادستان - تقاضای اعاده دادرسی توسط دادستان**

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

مستند به ماده ۲۹ آیین نامه اجرای احکام حدود ... مصوب ۱۳۹۸. در این فرض قاضی اجرای احکام موضوع را به اطلاع دادستان رسانیده و دادستان تقاضای اعاده دادرسی می کند. اگر رجوع سوگندخورندگان مربوط به قسامه جنایت بود، موافقت دادگاه هم لازم می شد.

۱۰۹- شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعدد است. در خصوص صدور قرار تأمین کیفری، کدام مورد صحیح است؟
(۱) در هر صورت، در مورد وی تأمین واحد صادر می شود.
(۲) در مورد وی قرار تأمین واحد صادر می شود، مگر اینکه رسیدگی به اتهامات در صلاحیت ذاتی یا محلی دادگاه های مختلف باشد.

- (۳) **در مورد وی قرار تأمین واحد صادر می شود، مگر اینکه رسیدگی به اتهامات در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد.**
- (۴) در مورد هر یک از اتهامات با لحاظ صلاحیت محلی، قرار تأمین مستقل صادر می شود.

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

برای اتهامات متعدد متهم اصولاً یک تأمین کیفری و یک کیفرخواست کافی است؛ ولی اگر اتهامات متعدد در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشند، خطاب به هر یک از دادگاه ها کیفرخواست مجزا صادر می شود. ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک

۱۱۰- منافع ممکن الحصول، در کدام صورت قابل مطالبه است؟

- (۱) در غیر جرایم موجب منصوص شرعی و دیه، در صورتی که حصول آن امکان داشته باشد.
- (۲) در تمام جرایم، در صورتی که صدق اتلاف نماید.
- (۳) در تمام جرایم، در صورتی که حصول آن امکان داشته باشد.
- (۴) **در غیر جرایم موجب تعزیر منصوص شرعی و دیه، در صورتی که صدق اتلاف نماید.**

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

مستند به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک

۱۱۱- در احضاریه، به تشخیص مقام قضایی، کدام یک از موارد زیر درج نمی شود؟

(۱) علت احضار

- (۲) نتیجه عدم حضور
- (۳) تاریخ حضور
- (۴) امضای مقام قضایی

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

مستند به تبصره ماده ۱۷۰ ق.آ.د.ک

۱۱۲- به جرایم مشمول صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، ارتكابی توسط نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی

شاغل در محل سرلشکری، در کدام یک از دادگاه های زیر رسیدگی می شود؟

- (۱) فقط دادگاه نظامی یک تهران
- (۲) دادگاه نظامی یک یا دو مرکز استان محل وقوع جرم، بر حسب نوع جرم
- (۳) دادگاه نظامی یک یا دو تهران، بر حسب نوع جرم**
- (۴) دادگاه نظامی یک مرکز استان محل وقوع جرم

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

مستند به تبصره ۲ ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک

۱۱۳- در صورتی که دادگاه تجدیدنظر استان، اساس حکم بدوی را صحیح بداند اما محکوم علیه را مستحق تخفیف

مجازات تشخیص دهد، چه اقدامی می کند؟

- (۱) با توجه به صحت اساس حکم، امکان اعمال تخفیف وجود ندارد.
- (۲) ضمن تأیید اساس حکم، می تواند مجازات را طبق قانون تخفیف دهد، هر چند محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد.**
- (۳) در فرضی که دادستان یا شاکی تجدیدنظرخواهی کرده باشند، امکان تخفیف مجازات وجود ندارد.
- (۴) صرفاً چنانچه محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر و اعمال تخفیف کرده باشد، امکان تخفیف وجود دارد.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

مستند به ماده ۴۵۹ ق.آ.د.ک

۱۱۴- چنانچه شعبه دیوان عالی کشور، در مقام رسیدگی فرجامی احراز نماید عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب

آن محکوم شده است، به فرض ثبوت، جرم نیست، چه تصمیمی اتخاذ می کند؟

- (۱) رأی صادره را نقض بلاارجاع می کند.**
- (۲) رأی را نقض و برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می دهد.
- (۳) پرونده را برای رسیدگی مجدد به دادگاه هم عرض ارجاع می دهد.
- (۴) رأی را نقض و پرونده را به دادگاه هم عرض ارجاع می دهد.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

احراز جهات منع تعقیب و یا موقوفی در دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی فرجامی، نقض بلا ارجاع صورت می گیرد. بند یک از قسمت ب ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک

۱۱۵- هرگاه پرونده کیفرخواست به دادگاه کیفری دو ارجاع شود، دادگاه مکلف است چه اقدامی انجام دهد؟

(۱) بدون بررسی پرونده، باید بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی داده و طرفین را دعوت کند.

(۲) بدون تعیین وقت رسیدگی، حداکثر ظرف یک ماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، باید حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند.

(۳) صرفاً در صورت عدم احراز صلاحیت، باید قرار عدم صلاحیت صادر و در غیر این صورت، باید دستور تعیین وقت رسیدگی داده و طرفین را به دادرسی دعوت کند.

(۴) متعاقب بررسی پرونده، در هر صورت باید دستور تعیین وقت رسیدگی صادر و طرفین را دعوت کند.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

مستند به ماده ۳۴۱ ق.آ.د.ک

۱۱۶- در صورتی که دادگاه تجدیدنظر، تحقیقات دادگاه بدوی را ناقص تشخیص دهد، کدام مورد صحیح است؟

(۱) قرار رفع نقص صادر و پرونده را صرفاً نزد دادرسی صادرکننده کیفرخواست می فرستد.

(۲) رأساً مبادرت به تحقیق کرده و یا قرار رفع نقص صادر می کند و پرونده را نزد دادرسی صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رأی می فرستد.

(۳) رأساً مبادرت به تحقیق کرده یا با صدور قرار رفع نقص، صرفاً پرونده را نزد دادگاه صادرکننده رأی می فرستد.

(۴) صرفاً قرار نفع نقص صادر و پرونده را نزد دادرسی صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رأی می فرستد.

پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

مستند به بند الف ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک. دادگاه تجدیدنظر استان دارای اختیار قانونی جهت تکمیل تحقیقات به صورت راساً و یا صدور قرار رفع نقص خطاب به دادسرا یا دادگاه بدوی است.

۱۱۷- شخصی به اتهام خیانت در امانت، به موجب حکم بدوی محکوم شده و قبل از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی،

حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط می نماید، کدام مورد صحیح است؟

(۱) با تقاضای تخفیف مجازات، دادگاه رأساً به موضوع رسیدگی و یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند.

(۲) به درخواست محکوم علیه، دادگاه رأساً به موضوع رسیدگی کرده و می تواند مجازات را عندالاقضاء به تشخیص خود تخفیف دهد.

(۳) به درخواست محکوم علیه، دادگاه با حضور دادستان رسیدگی کرده و می تواند مجازات را عندالاقضاء به تشخیص خود تخفیف دهد.

(۴) با تقاضای تخفیف مجازات، دادگاه با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند.

پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.
مستند به ماده ۴۴۲ ق.آ.د.ک

۱۱۸- بر اساس اصل فردی کردن قضائی کیفر، طبق کدام یک از علل زیر، مرجع صادرکننده حکم قطعی، اختیار تبدیل مجازات مرتکب را به مجازات مناسب دیگری دارد؟
(۱) عدم امید به بهبودی بیمار در کلیه مجازات ها
(۲) تشدید بیماری جسمی یا روانی در اعمال مجازات های تعزیری
(۳) **عدم امید به بهبودی بیمار در اعمال مجازات های تعزیری**
(۴) تأخیر در بهبودی بیمار در اعمال مجازات شلاق

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

در فرض عدم امید به بهبودی بیمار در اعمال مجازات های تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم قطعی اختیار قانونی جهت تبدیل مجازات را دارد. قسمت ذیل ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک

۱۱۹- در صورت طرح پرسش های تلقینی از سوی بازپرس در حین بازجویی از متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، کدام یک از موارد زیر، صحیح است؟
(۱) **وکیل متهم می تواند به بازپرس تذکر دهد و همچنین، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.**
(۲) صرفاً وکیل متهم می تواند به بازپرس تذکر دهد.
(۳) صرفاً موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.
(۴) موجب بطلان تحقیقات و محکومیت نظامی تا درجه چهار است.

پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

در صورت طرح سوالات تلقینی از متهم توسط بازپرس، وکیل متهم می تواند تذکر لازم را به بازپرس بدهد و این رفتار مقام قضائی نوعی تخلف انتظامی است. مواد ۱۹۵ و ۱۹۶ ق.آ.د.ک

۱۲۰- تحقیقات مقدماتی جرایم مشمول صلاحیت دادسرا، در صورت ارتکاب توسط کدام یک از افراد زیر، در دادسرا ویژه نوجوانان انجام می شود؟
(۱) ۱۲ تا ۱۵ سال (۲) بالغ زیر ۱۸ سال (۳) **۱۵ تا ۱۸ سال** (۴) زیر ۱۸ سال

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

دادسرای ویژه نوجوانان اصولاً مرجع تعقیب و تحقیق نسبت به جرایم ارتكابی توسط اشخاص ۱۵ تا ۱۸ سال است. ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک. اتهامات افراد زیر ۱۵ سال به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شوند.